

عنوان:

**پرونده برخی اموال ایران علیه آمریکا در دیوان بین المللی
دادگستری**

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه)

۱۴۰۳/۰۳/۲۲

پرونده برخی اموال ایران علیه آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری

فهرست مطالب

مقدمه	۴
۱- مفاهیم	۵
۱-۱- روابط ایران و آمریکا	۵
۱-۱-۱- بیانیه ی الجزایر	۶
۱-۱-۲- دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده	۷
۱-۱-۳- عهدنامه ی مودت	۸
۱-۲-۱- دعوی برخی اموال ایران علیه آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری	۹
۱-۲-۱-۱- زمینهای طرح دعوی	۱۰
۱-۲-۱-۲- طرح دعوی توسط ایران در دیوان بین المللی دادگستری	۱۲
۲- رای دیوان بین المللی دادگستری در دعوی ایران علیه آمریکا	۱۲
۱-۲- تحلیل رای صلاحیتی دیوان بین المللی دادگستری در دعوی برخی اموال علیه آمریکا	۱۳
۱-۲-۱- ایرادات مقدماتی آمریکا به عدم صلاحیت دیوان	۱۳
۱-۲-۲- ایرادهای مقدماتی ایالات متحده آمریکا: عدم قابلیت پذیرش دعوا	۲۰
۲-۲- رای دیوان در ماهیت اختلاف	۲۴
۱-۲-۲- ایراد به صلاحیت در مورد مواد ۳ و ۴ و ۵ که آمریکا مطرح کرد مورد قبول است و دیوان نباید در مورد این مواد رسیدگی کند.	۲۶
۲-۲-۲- ۱۳ به ۲ رای دادند به اینکه ایراد قابلیت استماع در مورد نقض عدم رجوع به کلیه مراجع جبران خسارت داخلی قبل از اقامه دعوا در دیوان رد است.	۲۸
۲-۲-۳- ۸ به ۷ به نقض بند ۱ ماده ۳ عهدنامه مودت رای دادند.	۲۹

- ۲-۲-۴- ۱۲ به ۳ رای دادند امریکا بند اول ماده ۴ عهدنامه مودت را نقض کرده است ۲۹
- ۲-۲-۵- ۱۱ به ۴ رای دادند امریکا بند دوم ماده ۴ عهدنامه را نقض کرده است ۲۹
- ۲-۲-۶- ۱۰ به ۵ رای دادند امریکا بند اول ماده ۱۰ عهدنامه را نقض کرده است ۳۰
- ۲-۲-۷- ۱۳ به ۲ رای دادند به تعهد امریکا به جبران خسارت از ایران ۳۱
- ۲-۲-۸- ۱۴ به ۱ رای دادند در صورت عدم توافق در مورد مبلغ غرامت ظرف ۲۴ ماه، با درخواست هر یک از طرفین، دیوان به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ۳۱
- ۲-۲-۹- سایر ادعاها از سوی طرفین از نظر دیوان مردود اعلام شد. ۳۱
- ۳- بررسی تطبیقی قضیه برخی اموال ایران با سایر پرونده ها ۳۳
- نتیجه گیری ۳۵
- منابع ۳۶
- منابع فارسی ۳۶
- منابع انگلیسی ۳۷
- سایت ها ۳۸

از اوایل سال ۵۷ تا پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از خارجی‌ان به ویژه آمریکایی‌ها به تدریج از کشور خارج شده و تقریباً کلیه طرح‌ها و قراردادهای منعقد شده با طرف‌های ایرانی تعطیل و رها گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از قراردادهای منعقد شده با خارجی‌ان مورد تجدیدنظر قرار گرفت و فسخ گردید یا اینکه عملاً به حالت تعلیق درآمد. همچنین با تصویب برخی قوانین بانکی، بیمه‌ها و صنایع و کارخانجات بزرگ ملی اعلام گردید و در تعدادی از شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی مدیر موقت دولتی منصوب شد. در مواردی، اموال وابستگان به رژیم سابق و یا بعضی از خارجی‌ان توسط دادگاه‌های انقلاب توقیف یا مصادره گردید.

همزمان با تحولات مزبور، برخی اتباع یا شرکت‌های آمریکایی که مدعی ورود خسارت به خود در نتیجه حوادث انقلاب یا تصمیمات مراجع دولتی یا قضایی بودند، به طرح دعوی علیه ایران و مؤسسات دولتی در دادگاه‌های آمریکا مبادرت نمودند. چند روز پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران و تشدید بحران در روابط دو کشور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا ضمن اعلام وضعیت فوق‌العاده درباره روابط ایران و آمریکا، کلیه دارایی‌ها و اموال دولت ایران و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی در آمریکا و نزد بانک‌های آمریکایی خارج از آمریکا را مسدود کرد. پس از آن، روند طرح دعاوی مختلف در محاکم آمریکا شتاب بیشتری گرفت به طوری که در آستانه امضای بیانیه‌های الجزایر بیش از ۴۴۰ دعوی علیه سازمان‌ها و مؤسسات دولتی ایرانی طرح شده بود.

ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۶ قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی^۱ را به تصویب رساند. این قانون مصونیت دولت‌های خارجی مرتکب تروریسم را در دادگاه‌های ایالات متحده نادیده می‌گرفت. از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ جمهوری اسلامی ایران از جانب وزارت امور خارجه ایالات متحده به عنوان دولت حامی تروریسم تعیین شد. در سال ۱۹۹۶ قانون مقابله با تروریسم و مجازات موثر^۲، به تصویب کنگره ایالات متحده رسید که در دعوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی مرتکب تروریسم، جبران خسارت مالی را در نظر می‌گرفت. در نتیجه این قوانین، دعاوی متعددی از جانب اتباع ایالات متحده و در دادگاه‌های این دولت، علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. دادگاه‌های بخش ایالات متحده، دولت ایران را به جبران خسارت محکوم کرده و حکم به توقیف اموال بانک مرکزی ایران به جای اموال دولت می‌کنند. توسل بانک مرکزی به مراجع قضایی ایالات متحده در مراحل تجدیدنظر و فرجام، راه به جایی نبرد و اموال بانک مرکزی در ایالات متحده توقیف شد. ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶

^۱ - FSIA

^۲ - AEDPA

با استناد به نادیده گرفته شدن مصونیت دولت و نقض عهدنامه مودت، 1955 دادخواستی علیه ایالات متحده در دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) ثبت کرد.^۱

این روابط تیره یا به عبارتی خصمانه در سال‌های گذشته ادامه داشته است و منجر به پرونده‌ای شده است که موسوم به پرونده ی برخی اموال ایران علیه آمریکا است. دیوان در دو مرحله ابتدائاً راجع به صلاحیت خود اظهار نظر کرده است و در مرحله ی دوم وارد ماهیت اختلاف شده است. در این مقاله تلاش داریم به نتایج این پرونده، ابعاد حقوقی آن، شیوه ی استدلال طرفین و در نهایت به رای دیوان خواهیم پرداخت و نتایج آن را بررسی کرده و مورد نقد قرار می دهیم و تلاش خواهیم کرد با انواع دیگر از پرونده‌های مشابه و مرتبط نیز مورد بررسی قرار دهیم.

۱- مفاهیم

مقاله‌ی حاضر پیرامون دعوی برخی اموال ایران علیه آمریکا بحث می‌کند. به همین جهت لازم است برخی از مفاهیم ضروری پیش از ورود به بحث اصلی تعریف شده و برخی از رخدادهایی که منجر به این پرونده شدند و یا اینکه برخی از پرونده‌هایی که مشابه با آن هستند به صورت اجمالی مورد شناسایی قرار بگیرد. شناخت کلی روابط ایران و آمریکا، عهدنامه‌ی مودت، بیانیه‌ی الجزایر، دیوان داوری ایران و آمریکا و رخدادی که منجر به توقیف دارایی‌های ایران و بانک مرکزی در آمریکا و دیگر کشورها شده است را می‌توان به عنوان، ضروری ترین مبانی قابل تعریف قلمداد کرد.

۱-۱- روابط ایران و آمریکا

آمریکا به عنوان قدرتی جهانی در تلاش است تا نیروهای در تضاد خویش را تضعیف کرده و نابود سازد که کشورهایی مانند ایران به جهت ممانعت از نفوذ این قدرت‌ها در منطقه‌ای خاص از اهمیت خالص برخوردارند. بنابراین طبیعی است که این تقابل وجود داشته باشد و ایجاد گردد.

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا که به سلاحهای عمده اقتصادی و ملیتاریسم مسلح بود به عنوان یک قدرت جدید و برتر جهانی ظهور کرد. و درصدد سیطره سیاسی بر سایر کشورها برآمد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و بازگرداندن شاه به تخت سلطنت، شکل گیری جدی این سیطره سیاسی آمریکا در ایران را رقم زد. در نقطه مقابل مقاومت‌های بسیاری در برابر فزون خواهی آمریکا صورت گرفت مبارزات امام خمینی در اوایل دهه ۱۳۴۰ و اعتراض وی به کاپیتولاسیون و تبعید ایشان به ترکیه و مقاومت‌های گوناگون سیاسی، که هر کدام

^۱ - موسوی میرکلانی، سید طه. (۱۴۰۰). شخصیت حقوقی شرکت دولتی و مصونیت اموال دولتی در پرونده «برخی اموال ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، شماره ۵۰، صص ۹۹۵ - ۱۰۲۱، ص ۹۹۵.

منطق ویژه خود را داشت اوج این مقاومت ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که در پی آن در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا به اشغال دانشجویان پیرو خط امام درآمد. و پس از مدتی آمریکا روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد.^۱ این قطع روابط سیاسی منجر به طرح دعاوی شده است که محاکم قضائی و داوری بین‌المللی را به خود مشغول داشته است.

۱-۱-۱- بیانیه ی الجزایر^۲

در بیست و نهم دیماه ۱۳۵۹ دولتین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده به منظور حل و فصل بحران موجود در روابط دو کشور که با تسخیر لانه جاسوسی تشدید شده بود، با میانجیگری دولت الجزایر ترتیبات و تعهداتی را در قالب بیانیه‌های الجزایر پذیرفتند که از جمله آنها ارجاع اختلافات حقوقی فیما بین به داوری مرضی الطرفین است.

این بیانیه حاوی تعهدات مالی و حقوقی برای طرفین بود که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

الف. تعهدات مالی

به موجب بیانیه های الجزایر، آمریکا متعهد گردید که با اعاده وضع مالی ایران به قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ کلیه اموال و دارائیهای مسدود شده ایران پس از تسخیر لانه جاسوسی را آزاد و به ایران منتقل کند. متقابلاً ایران نیز تعهد کرد که آمریکایی ها را تحویل دهد. اموال و دارائیهای ایران مشتمل بود بر وجوه نقدی (شامل اوراق بهادار و طلا)، اموال نظامی، اموال غیرنظامی و اموال دیپلماتیک. ایالات متحده وجوه نقدی ایران را که بالغ بر حدود ۱۰ میلیارد دلار بود، طبق ترتیبات مقرر در بیانیه ها در دو نوبت آزاد و به بانک مرکزی پرداخت کرد. در نوبت اول همزمان با امضای بیانیه ها، حدود ۸ میلیارد دلار از وجوه نزد بانکهای آمریکایی خارج از آمریکا آزاد و به حساب امانی واریز گردید. از این حساب، حدود سه میلیارد و هفتصد میلیون دلار برای تسویه بدهی ایران ناشی از وام‌های سندیکایی به بانک فدرال رزرو نیویورک پرداخت گردید؛ حدود یک میلیارد و چهارصد و هجده میلیون دلار نیز برای تسویه بدهی بانک‌های ایرانی به بانک‌های آمریکایی در حسابی بنام بانک مرکزی الجزایر در بانک اف انگلند به امانت گذارده شد؛ و بالاخره مابقی وجوه حدود دو میلیارد و هشتاد و هفت میلیون دلار نقداً به ایران پرداخت شد. البته بعداً پس از تسویه وام‌های سندیکایی، مبلغ حدود ۵۴۵ میلیون دلار (اصل و بهره) و تسویه بدهی بانک‌های ایرانی مبلغ حدود ۸۱۰ میلیون دلار (اصل و بهره) به ایران اعاده گردید. در نوبت دوم، شش ماه بعد از انعقاد بیانیه ها حدود دو میلیارد دلار از وجوه نزد بانک‌های آمریکایی داخل آمریکا آزاد شد

^۱ - هرמידاس باوند، داوود محمدی، منوچهر (۱۳۸۱) ایران، آمریکا، پیشینه، حال، آینده زمانه، شماره ۱. ص ۵۱.

^۲ - Algiers Accords

که یک میلیارد دلار آن به حساب تضمینی جهت پرداخت احکام دیوان دآوری دعوای علیه ایران اختصاص یافت و بقیه نیز به ایران پرداخت گردید.

ب. تعهدات حقوقی:

به موجب بیانیه های الجزایر، ایالات متحده متعهد گردید که (۱) در امور داخلی ایران مداخله نکند (۲) مجازاتهای تجاری و اقتصادی وضع شده پس از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ علیه ایران را لغو نماید (۳) برای توقیف و استرداد اموال خانواده پهلوی و نزدیکان آن در آمریکا با ایران با شرایط مقرر در بیانیه ها همکاری کند (۴) از دعوای ایالات متحده یا اتباع آن کشور علیه ایران به علت تصرف سفارت سابق آمریکا یا حوادث واقع شده در جریان انقلاب اسلامی تا زمان انعقاد بیانیه ها صرفنظر نماید و (۵) به دعوای حقوقی اتباع آمریکایی در محاکم آمریکا خاتمه داده و آنها را به دآوری مرضی الطرفین ارجاع دهد.

تفصیل و نحوه اجرای هریک از تعهدات مالی و حقوقی در بندهای مختلف بیانیه کلی (طی ۱۵ ماده) آمده است. همچنین ترتیبات لازم در اجرای توافق دولتین برای ایجاد دآوری مرضی الطرفین جهت رسیدگی به دعوای اتباع آمریکایی و اختلافات مالی و حقوقی فیما بین دو کشور در بیانیه حل و فصل دعوای پیش بینی گردیده است. به غیر از این دو سند، راه و روش های اجرایی بعضی توافقات مالی طرفین در سندی بنام «سند تعهدات» مشخص گردیده و همزمان با بیانیه ها منتشر و اجرا شده است. تعدادی موافقتنامه فنی و تکنیکی و بانکی هم بین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی الجزایر، بانک اف انگلند، فدرال رزرو نیویورک، بانک مرکزی هلند، و بانک تسویه هلند تنظیم و امضا شده که موضوع آنها نحوه آزاد شدن دارائی ها و حسابهای بانکی ایران و نگهداری حساب امانی اولیه و نیز نگهداری حساب تضمینی دیوان دآوری می باشد.

۱-۱-۲- دیوان دآوری دعوای ایران - ایالات متحده

به دنبال اختلافات شدید سیاسی بین دو دولت ایران و آمریکا که پیرو اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و نگهداری ۵۲ تن از اتباع ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ پیش آمد و متعاقب انسداد اموال و دارایی های ایران در آمریکا بحران سیاسی میان دو دولت در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ با میانجی گری دولت الجزایر و امضای بیانیه های الجزایر خاتمه یافت.

بیانیه های الجزایر ضمن حل بحران سیاسی ایران و آمریکا متضمن اسلوب حقوقی حل و فصل دعوای حقوقی و مالی بین دو دولت نیز بود. به دنبال بیانیه های الجزایر، دیوان دآوری دعوای ایران و آمریکا تاسیس گردید. این دیوان، مرجع دآوری بین المللی موردی بشمار می رود که دارای صلاحیت شخصی و موضوعی است. با تشکیل دیوان دآوری، مهم ترین مرجع دآوری در تاریخ حل و فصل اختلافات بین المللی به وجود آمد تا به دعوای و اختلافات بین دولت های ایران و ایالات متحده و اتباع آنها علیه دولت طرف مقابل رسیدگی کند. تاسیس دیوان

داوری که معلول و محصول تعهد و توافق مشترک دولتين ايران و آمريكا بود، فصل تازه ای در تاريخ بزرگ ترين داوری بين المللی معاصر گشود. به نحوی که می توان آن را تحولی مهم و تاريخ ساز در روابط دو کشور ارزیابی کرد.^۱

طرفین متعاهدین (ايران و ایالات متّحده) وفق بیانیه‌های حل و فصل دعاوی نمی‌توانند به ثبت ادّعا علیه اتباع طرف دیگر به طور مستقیم بپردازند. با این حال، آن‌ها می‌توانند به ثبت ادّعاهای متقابل علیه چنین اتباعی بپردازند، مشروط بر این‌که ادّعای متقابل ناشی از همان قرارداد، معامله یا واقعه‌ای باشد که موجد موضوع ادّعای آن تبعه است.

به عنوان اصلی پذیرفته شده، صلاحیت دیوان های داوری را باید به طور محدود و مضیق تفسیر کرد، زیرا صلاحیت یک دیوان داوری خواه خصوصی یا بین المللی ناشی از رضایت صریح طرفین اختلاف است و بنابراین نمیتواند گسترده تر از توافق دو جانبه ای باشد که مشخصاً به وسیله آنها مقرر شده است.

صلاحیت موضوعی دیوان بر اساس بند (2) سند تعهدات، زمانی است که دیوان جانشین "هیات داوری بین المللی" پیش بینی شده در آن بند می‌شود و محدود به اختلافاتی است که راجع به مبالغ مورد اختلاف در مورد سپرده ها، دارایی ها و بهره متعلقه یا سپرده های ایران در موسسات بانکی امریکا باشد. ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی و بند (2 ب) سند تعهدات، مقرراتی در زمینه صلاحیت موضوعی دیوان مقرر می دارند. طبق ماده ۲ بیانیه، صلاحیت دیوان ابتدا شامل دعاوی اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده ناشی از دیون، قراردادهای ضبط اموال یا هر اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد.²

۱-۱-۳- عهدنامه‌ی مودت^۳

در واقع، عهدنامه مودت در روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و ایالات متحده امریکا، از جمله مهمترین چارچوب‌های حقوقی روابط این دو کشور در بیش از 60 سال است. این عهدنامه در 15 اوت 1955 در تهران امضا شد و از 16 ژوئیه 1957 میلادی به اجرا در آمد. این معاهده، جزئی از سلسه معاهداتی است که هر یک از دو کشور در روابط دوجانبه خود با دیگر کشورها منعقد کرده‌اند.^۴

^۱ - مافی، همایون (۱۳۸۷) تحلیلی بر عملکرد دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا، دوره ی ۱۰، شماره ی ۲۳، صص ۱۱۷ - ۲۲۳.

² - Sohn, (1981) *The Iran-United States Claims Tribunal: Jurisprudential Contributions to the Development of International Law, in the Iran-United States Claims Tribunal* -83.

³ - Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights

^۴ - شهبازی، آرامش. (۱۳۸۹). اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده امریکا. *مجله حقوقی بین المللی*، 28(شماره ۴۴ (بهار و تابستان))، ۷۱-۵۵.

عهدنامه مودت ۱۹۵۵ تا ۲۰۱۸ میلادی دارای اعتبار بود. وقتی که جمهوری اسلامی ایران پرونده دوم خود مربوط به تحریم‌های یکجانبه آمریکا را بر مبنای معاهده مودت علیه آن کشور در دیوان ثبت کرد، دولت ترامپ که با دو مورد اقامه دعوا علیه آمریکا با استناد به معاهده مودت مواجه شده بود، تصمیم به خروج از این عهدنامه گرفت. اصولاً هر دولتی می‌تواند از معاهده‌ای با اعلام قبلی خارج شود، مگر آنکه خروج از آن معاهده ممنوع شده باشد. در عهدنامه مودت مقرر شده بود که هر یک از طرفین که خواستار خروج باشد، می‌تواند خروج خود از معاهده را از یک‌سال قبل به دولت دیگر اطلاع دهد. دولت آمریکا اواخر شهریور ۲۰۱۸ خروج خود از معاهده مودت را اعلام کرد و بنابر این، از شهریور ماه ۲۰۱۹ به بعد دیگر عهدنامه مودتی بین ایران و آمریکا وجود ندارد. اما، پرونده‌هایی که در دوره اعتبار معاهده مزبور و با استناد به آن در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه شده‌اند، از این امر تأثیر نمی‌پذیرند.

۱-۲- دعوی برخی اموال ایران علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری اختیاری است. به عبارت دیگر، دولت‌ها برای طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری باید یا از قبل با یکدیگر توافق کرده باشند، یا بعد از بروز اختلاف صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را برای رسیدگی به اختلاف خود بپذیرند. بنابراین اگر در یک موافقت‌نامه‌ای دولت‌های عضو صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای آن سند پذیرفته باشند، به موجب همان شرط صلاحیت دیوان می‌توانند طرح دعوا نمایند.

در دادخواستی که در سال ۲۰۱۶ به دیوان بین‌المللی دادگستری توسط ایران تسلیم شد، جمهوری اسلامی قوانین داخلی ایالات متحده، یعنی اصلاحیه‌های FSIA را به چالش کشید و ایالات متحده را به نقض چندین مفاد پیمان مودت متهم کرد. به طور خاص، ایران مدعی شد که ایالات متحده این پیمان را نقض کرده است: عدم به رسمیت شناختن وضعیت حقوقی جداگانه شرکت‌های ایرانی (از جمله بانک مرکزی). رفتار ناعادلانه و تبعیض آمیز با این نهادها؛ عدم اعطای حمایت و امنیت مورد نیاز توسط قوانین بین‌المللی. سلب مالکیت از اموال آنها؛ عدم اعطای آزادی دسترسی به دادگاه‌های ایالات متحده، از جمله لغو مصونیت‌هایی که ایران و شرکت‌های دولتی ایران، از جمله بانک مرکزی، بر اساس قوانین بین‌المللی عرفی از آن برخوردارند. عدم رعایت حق چنین اشخاصی برای کسب و واگذاری دارایی؛ اعمال محدودیت برای چنین نهادهایی در انجام پرداخت‌ها و سایر نقل و انتقالات وجوه به یا از ایالات متحده؛ و دخالت در آزادی تجارت.^۱ این ادعاها هم مربوط به شرکت‌های تحت کنترل دولت

¹ - Certain Iranian Assets (Iran v. U.S.), Judgment, (Mar. 30, 2023), <https://www.icj-cij.org/case/164> [hereinafter Judgment on the Merits]

ایران بود که در بازارهای ایالات متحده فعالیت تجاری انجام می‌دادند و هم به بانک مرکزی - که هم فعالیت‌های مالی تجاری و هم وظایف حاکمیتی را که معمولاً به یک بانک مرکزی واگذار می‌شد، انجام می‌داد. ایران خواهان جبران خسارات متحمل شده و عذرخواهی رسمی برای نقض های ادعایی شد.^۱

طرح این دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری، با وجود دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا، می‌تواند قابل توجه باشد. احراز صلاحیت دیوان به عنوان اولین اقدام و سپس ورود به ماهیت اختلاف از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱-۲-۱- زمینه‌های طرح دعوی

اگرچه چندین پرونده با ادعاهای مختلف حمایت دولت ایران از اقدامات تروریستی علیه ایران در دادگاه‌های آمریکا اقامه شده‌اند ولیکن تقریباً همه‌ی آن‌ها از یک روند دادرسی تبعیت کرده‌اند و در دادرسی اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری هم مورد استناد قرار گرفته‌اند و یک مورد از آنها که نقش مهمی در این پرونده داشته است به عنوان نمونه مهم بررسی می‌شود. پرونده پترسون علیه ایران.^۲

در سال ۲۰۰۳، بازماندگان قربانیان حادثه انفجار در بیروت که منجر به کشته شدن ۲۴۱ نفر شد، دادخواستی را علیه ایران در دادگاه فدرال نیویورک مطرح کردند به خواسته مطالبه غرامت به سبب ادعای حمایت ایران از تروریسم. اختصاراً این پرونده به نام پترسون که نام یکی از بازماندگان است، مشهور است. مستند این ادعا قانون مصونیت دولت‌های خارجی^۳ در آمریکا مصوب ۱۹۷۶ است که بر اساس آن اموال و دارایی‌های دول خارجی مصون از احکام دادگاه‌ها هستند و برابر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در این قانون هم استثنائاتی مانند انصراف از مصونیت توسط یک دولت یا دعاوی مربوط به فعالیت‌های تجاری برای آن در نظر گرفته شده است. اما در سال ۱۹۹۶ اصلاحاتی به این قانون وارد شد و دامنه استثنائات را گسترده‌تر کرد و قربانیان حملات تروریستی نیز در هر جای جهان نیز می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت‌های حامی آنها اقامه دعوی کنند. این قانون اصلاح شده را به نام فلاتو^۴ می‌نامند که نام پدر یکی از قربانیانی بود که خودش حقوقدان و وکیل بود و پیگیر اصلاح قانون FSIA بود. به هر حال قانون مذکور به همراه اصلاحات آن صلاحیت قضایی دادگاه‌های آمریکا را گسترش داد و اصل مصونیت دولت‌ها که یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است را طبق قانون داخلی آمریکا محدود کرد. استثنای تروریسم به دادگاه‌های ایالات متحده صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه دولتهای خارجی معینی را می‌داد و

^۱ - Sochacka, Julia (2024) -Shaping the Immunity of Central Banks: The ICJ's Merits Decision in Certain Iranian Assets ,Issue ۳ :Volume ۲۸, February ۱۲, https://www.asil.org/insights/volume/28/issue/3#_edn8

^۲ - Peterson v. Islamic Republic of Iran, 264 F. SUPP.2D 46

^۳ - Foreign State Immunity Act(FSIA)

^۴ - Flatow

مصونیت آن دولتها را به سبب اقدامات ارتكابی در حوزه تروریسم، نادیده می‌گرفت. اصلاحیه فلات و در دعاوی مطروحه علیه دولتهای خارجی به موجب استثنای تروریسم، جبران خسارات مالی را قابل دسترس می‌داند.^۱

دادگاه فدرال نیویورک با استناد به این قانون در نهایت پس از رسیدگی غیابی دولت ایران را در جولای ۲۰۰۸ محکوم به پرداخت دو میلیارد و ۴۱۹ میلیون دلار و بعداً برای اجرای حکم نیز دستور توقیف اموال ایران را نیز صادر کرد. دولت ایران نیز ابتدائاً در جلسات این دادگاه‌ها شرکت نکرد و معتقد بود که بر اساس اصل حاکمیت و مصونیت دولتها در حقوق بین‌الملل دادگاه‌های خارجی یک دولت صلاحیت رسیدگی به چنین دعاوی را ندارند.

در فوریه ۲۰۱۲ دولت اوباما فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ را صادر کرد که بر اساس آن کلیه دارایی‌های متعلق به نهادهای تحت حاکمیت ایران و همچنین بانک مرکزی ایران توقیف شدند. بانک مرکزی ایران از اینجا به بعد وارد پرونده می‌شود و یکی از مبانی استدلالی‌اش در دادگاه بر این پایه استوار بود که بانک مرکزی مستقل از دولت است و نهاد حاکمیتی نیست و حکم دادگاه امریکایی و دستور اجرایی رییس‌جمهور نمی‌تواند علیه این بانک در امریکا به اجرا درآید. شش ماه بعد یک قانون هم در امریکا تصویب شد به نام قانون کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه^۲ که به دادگاه‌های امریکا اجازه می‌داد تا برای پرداخت غرامت به خانواده‌های خواهان غرامت علیه اموال مسدود شده ایران از جمله بانک مرکزی در نزد سیتی بانک امریکا حکم بدهند. به عبارتی شاید برای اولین بار در تاریخ حقوقی امریکا قانونی تصویب شد که هدف آن این بود که در یک پرونده توقیف دارایی بانک مرکزی کشوری را قانونمند کند. لذا دادگاه تجدیدنظر نیویورک هم در سال ۲۰۱۴ با عدم قبول دفاعیات بانک مرکزی ایران و درخواست آن برای رفع توقیف اموال موافقت نکرد و رای دادگاه فدرال نیویورک را تایید کرد.

در سالهای گذشته، «جنگ علیه تروریسم» چالش‌های متعددی را برای حقوق بین‌الملل عمومی ایجاد کرده است. مشروط بر اینکه برخی از دارایی‌های ایرانی فراتر از مرحله قضایی باشد، درخواست ایران ممکن است به دیوان بین‌المللی دادگستری اجازه دهد تا به برخی از آن موضوعات مهم رسیدگی کند. بر خلاف سایر موارد، برخی از دارایی‌های ایرانیان بر اساس مبنای قضایی محدود دادگاه شکل گرفته است. در غیاب این موانع، ایران ممکن است بتواند استدلال‌های قوی‌تری را در زمینه‌های مختلف مطرح کند. موضوع اصلی کل پرونده، برخورد با شرکت‌های دولتی است.^۳

^۱ - Weatheral, Thomas (2016), "Flatow V. Iran", *American Journal of International Law*, Vol. 110(3), pp. 540-547.

^۲ - Iran Threat Reduction and Syria Human Rights

^۳ - Janig, Philipp and Mansour Fallah, Sara, Certain Iranian Assets: The Limits of Anti-Terrorism Measures in Light of State Immunity and Standards of Treatment (۲۰۱۶). *German Yearbook of International Law*, Vol. ۵۹, ۲۰۱۶, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=۲۹۹۳۲۲۵>

۲-۱-۲- طرح دعوی توسط ایران در دیوان بین المللی دادگستری

در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۹۵ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۶) دولت جمهوری اسلامی ایران با تقدیم دادخواستی به دیوان بین المللی دادگستری ضمن اشاره به اقدامات ایالات متحده آمریکا در مورد ضبط و مصادره حدود ۲ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی و اموال سایر شرکتها و موسسات ایرانی و با تاکید بر اینکه این اقدام دولت واشنگتن با موازین حقوق بین الملل به ویژه معاهده بین دو کشور موسوم به «عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا مصوب ۱۹۵۵» در تعارض است، خواهان محکومیت دولت آمریکا و آزادی اموال توقیف شده و پرداخت خسارات وارده شد. مهم ترین این خواسته ها اعلام دیوان بین المللی دادگستری به صدور حکم علیه دولت ایالات متحده به دلیل نقض مواد مختلف عهدنامه مودت ۱۹۵۵ و اینکه این نقض تعهدات مغایر با حقوق بین الملل و مسوولیت بین المللی دولت آمریکاست. در بند سوم از خواسته ها آورده شده است که دیوان بین المللی دادگستری دولت آمریکا را به دلیل نقض تعهداتش ملزم به جبران خسارت و عذرخواهی رسمی از دولت ایران کند.

۲- رای دیوان بین المللی دادگستری در دعوی ایران علیه آمریکا

ماجرای رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه بعضی اموال ایران این است که آمریکا از سال های قبل با ادعاهای واهی در محاکم داخلی آرایبی را علیه جمهوری اسلامی ایران صادر و به استناد آن اموال جمهوری اسلامی ایران را در کشورهای مختلف توقیف می کند. دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ تصمیم گرفت این موضوع را با توجه به عهدنامه مودت ایران و آمریکا (منعده به سال ۱۹۵۵) در دیوان دادگستری مطرح کند. دیوان ابتدا رای اول را به عنوان رای صلاحیتی ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ صادر کرد که نشان می دهد، دیوان می تواند در این پرونده رای بدهد یا خیر. زیرا آمریکا ادعا می کرد، جمهوری اسلامی ایران نمی تواند بر مبنای عهدنامه مودت طرح دعوا کند و چون ایران خود مرتکب تخلفاتی شده است، به استناد اصل پاک دستی نمی تواند طرح دعوا کند، همه این ادعاهای آمریکا در دیوان رد شد و دیوان خود را صالح به رسیدگی دانست.

رای دوم هم رای ماهیتی بود که به تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۲۳ (۱۰ فروردین ۱۴۰۲) صادر شد و در آن دیوان، بانک مرکزی را از شرکت های مورد نظر احکام معاهده مودت ندانست و در مورد آن اظهار نظر هم نکرد؛ ولی اقدامات خلاف حقوق بین الملل آمریکا را در موارد دیگر تشخیص داد و آمریکا را مجبور به جبران خسارت کرد. اگر بحث جبران خسارت دو طرف طی ۲۴ ماه مذاکرات به نتیجه نرسد، هر کدام از دولت ها می توانند برای طرح دعوی مجدد به دیوان مراجعه کنند.

رای دیوان در این خصوص مشتمل بر ۹ بند اجرایی است و جز در مورد بند اول (یعنی بانک مرکزی)، در هشت بند دیگر، دیوان به نفع ایران رای صادر کرده است. بند اول ناظر به خواسته اصلی ایران و مربوط به توقیف اموال بانک مرکزی ایران بود که دیوان خود را برای رسیدگی به آن فاقد صلاحیت دانست.

۲-۱- تحلیل رای صلاحیتی دیوان بین المللی دادگستری در دعوی برخی اموال علیه آمریکا

دیوان بین المللی دادگستری در رأی صلاحیتی خود در قضیه برخی اموال ایران (ایران علیه آمریکا) که در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ (۱۳ فوریه ۲۰۱۹) صادر نمود، به ایرادهای مقدماتی آمریکا درباره صلاحیت و عدم قابلیت استماع دعوا پرداخت.

ایراد مبتنی بر استثنای عدم اعمال عهدنامه مودت (ماده ۲۰ (۱) عهدنامه)، ایراد عدم حمایت عهدنامه مودت از مصونیت دولت و ایراد عدم شمول حمایت‌های مقرر در عهدنامه نسبت به بانک مرکزی (به واسطه عدم تلقی آن به عنوان «شرکت» به عنوان ایرادهای صلاحیتی دیوان و ایراد سوءاستفاده از روند دادرسی و ایراد عدم پاکدستی خواهان (ایران) به عنوان ایرادهای مرتبط با عدم قابلیت استماع دعوا مطرح گردید. دیوان به دقت استدلال‌های هریک از طرف‌های اختلاف را رسیدگی نمود. دیوان ایراد عدم شمول عهدنامه مودت به مصونیت دولت را پذیرفت اما ایراد مربوط به «منافع ملی و اساسی» و ایرادهای مربوط به عدم قابلیت استماع دعوا را رد کرد و در نتیجه صلاحیت خود برای رسیدگی به دادخواست خواهان را احراز نمود. ضمناً، ایراد عدم شمول مفاد عهدنامه نسبت به بانک مرکزی، ملحق به ماهیت شد^۱؛

۲-۱-۱- ایرادات مقدماتی آمریکا به عدم صلاحیت دیوان

آمریکا در قضیه ی موصوف سه ایراد مقدماتی در رابطه با صلاحیت دیوان مطرح کرد و عمدتاً تأکید بر مواد عهدنامه ی مودت بود. ایران تلاش کرد رویکرد منفعل آمریکا نسبت به صلاحیت رکن اصلی قضایی ملل متحد را برجسته نماید^۲. ذیلاً به ایرادات مقدماتی که از سوی آمریکا جهت رد صلاحیت دیوان مورد استناد قرار گرفته است اشاره خواهیم کرد و استدلال‌های طرفین و نیز رای دیوان در هر مورد را بررسی خواهیم کرد.

۲-۱-۱-۱- ادعای ایران مشمول استثنای عهدنامه ی مودت (منافع اساسی داخلی) می شود

آمریکا مدعی بود که ماده ی ۲۰ عهدنامه ی مودت استثنائی را بیان داشته است که مشمول خواسته ی ایران می شود و دیوان صالح به رسیدگی نیست. این در حالی است که در قضیه ی سکوه‌های نفتی دیوان نسبت به این

^۱ - محبی، محسن، بذآر، وحید (۱۳۹۸) رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی

ایران علیه ایالات متحده آمریکا). فصلنامه ی قضاوت، شماره ۹۸، صص ۵۳ - ۸۰. ص ۵۳

^۲ - همان. ص ۵۶

ایراد اینگونه اظهار ظر کرده بود که این ایراد مربوط به رسیدگی در مرحله ی ماهیتی است و نمی تواند ایراد مقدماتی مطرح باشد. دیوان در قضیه ی سکوهای نفتی بیان می کند که هیچ مقرره‌ای در عهدنامه ی مودت وجود ندارد که بتواند صراحتاً برخی موضوعات را از صلاحیت دیوان خارج نماید.^۱

آمریکا البته با تفاوت های اندکی نسبت به قضیه ی سکوهای نفتی اقدام کرد. دیوان در رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت بوده و برای این منظور صرفاً در مقام احراز صلاحیت خود به صورت «علی الظاهر» بوده و تصمیم دیوان در آنجا، نسبت به صلاحیت قطعی نبوده و نیست و در این پرونده (برخی اموال ایران) که ایراد صلاحیتی مطرح شده، دیوان باید صلاحیت خود را احراز کند. او با اشاره و تأکید بر عبارت «در این قضیه» در پاراگراف ۴۱ دستور موقت (ماده ۲۰ (۱) (د) صلاحیت دیوان را در این قضیه محدود نمی کند) ۳ اینگونه نتیجه گیری می کند که بررسی این مسئله که آیا ماده ۲۰ (۱)، پیامدهای صلاحیتی دارد یا خیر، در این قضیه منتفی نخواهد بود.^۲

آمریکا گفت ماده ۲۰ (۱) چهار بند دارد که در قضایای قبلی، بند (ب) (درخصوص مواد رادیواکتیو، منابع یا فرآورده های آن ها) و بند (د) (درخصوص تدابیر ضروری برای اجرای تعهدات طرف های معاهده درخصوص حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی و یا تدابیر ضروری برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی آن ها) مورد استناد قرار گرفته بودند، اما در قضیه حاضر (برخی اموال ایران)، آمریکا بند (ج) و بند (د) را مورد استناد قرار داده است و استناد به بند (ج)، ادعایی جدید است که در قضایای قبلی مطرح نشده بود. بند (ج) به تدابیر مربوط به تولید و انباشت تسلیحات، مهمات و ادوات جنگی یا انباشت موادی مربوط می شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین نیازهای تأسیسات نظامی مورد استفاده قرار می گیرند. آمریکا استدلال می کند که دستور اجرائی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهوری آمریکا، تدبیری است که به انباشت مواد فهرست شده در بند (ج) ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت می پردازد و با اتخاذ تدابیری در راستای مبارزه با تروریسم و فعالیت های موشکی ایران، برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی آمریکا ضروری است و از این رو، ادعاهای مرتبط با آن از صلاحیت دیوان خارج می شود.^۳

¹ – Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996, para. 20; Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018, para. 41.

² – Verbatim Record of 8 October 2018 (John D. Daley), pp. 10, 13, paras. 5, 22-23.

³ – Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 40; Verbatim Record of 8 October 2018 (John D. Daley), pp. 14, 19, paras. 29-55

۲-۱-۱-۲- شمول عهدنامه درباره ی مصونیت دولتین

این اصل که ادعا علیه دولت های خارجی و اموال آنها - جز در صورت رضایت آنها - در دادگاه های داخلی کشور دیگر قابل رسیدگی نیست، به عنوان یک اصل حقوق بین الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است.^۱ در قضیه «برخی اموال ایران» دولت آمریکا معتقد است که این عهدنامه ظرفیت و امکان رسیدگی به ادعاهای گسترده ایران از جمله ادعای مربوط به مصونیت دولت ایران با رفتار آمریکا با بانک مرکزی ایران و دستور اجرائی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهوری آمریکا را فراهم نمی کند؛ چراکه دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» تصریح نموده بود که موضوع و هدف عهدنامه مودت، تنظیم روابط مسالمت آمیز و دوستانه دولت های طرف عهدنامه در معنای کلی آن نیست.^۲ در این زمینه، خانم کیمبال یکی از وکلای آمریکا، با اشاره به رویه دیوان در قضیه «مصونیت ها و دادرسی های کیفری» و قضیه «فعالیت های نظامی در سرزمین کنگو» استدلال می کرد که قلمرو صلاحیت دیوان محدود به مفاد شرط معاهداتی صلاحیت یعنی ماده ۲۱ عهدنامه مودت است و شامل ادعاهای ایران نمی شود.^۳

دولت خوانده (آمریکا) مدعی بود که متن و سیاق عهدنامه مودت هیچ گونه مصونیت صلاحیتی یا اجرائی به دولت های طرف آن و واحدها و مؤسسه های دولتی آنها اعطا نمی کند و موضوع و هدف این عهدنامه نشان دهنده این است که صرفاً ناظر به روابط اقتصادی و کنسولی میان دو کشور است و حتی رویه ایران در قضایای مطروح در دهه های پس از لازم الاجرا شدن عهدنامه در دادگاه های آمریکا، نشان دهنده این است که ایران هرگز مسئله مصونیت را مطرح نکرده و مدعی نقض مصونیتی که حالا ادعا می کند در عهدنامه تضمین گردیده، نشده است.^۴ مطابق ماده ۴ (۲)، اموال اتباع و شرکت های یک طرف عهدنامه و منافع آن اموال، از حداکثر امنیت و حمایت دائمی - نه کمتر از آنچه حقوق بین الملل اقتضا می کند - در سرزمین طرف دیگر عهدنامه برخوردار خواهند بود و این اموال جز در راستای اهداف عمومی و بدون پرداخت فوری یک غرامت عادلانه توقیف نخواهند شد. این غرامت باید به نحو مؤثری قابل پرداخت و به طور کامل معادل مالی باشد که توقیف شده است و باید تمهیدات لازم جهت تعیین و پرداخت غرامت در زمان توقیف مال یا قبل از آن اتخاذ گردد. در جلسه استماع، ایران با تمرکز بر عبارت ماده مذکور («مقتضیات حقوق بین الملل») استدلال می کرد که این مقرر، قواعد حقوق بین الملل عرفی در خصوص مصونیت را نیز شامل می شود و از آنجایی که اموال اتباع و شرکت های ایرانی

¹ - United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004, preamble, p. 1

² - Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996, para. 28.

³ - rbatim Record of 8 October 2018 (Emily J. Kimball), pp. 61-62, paras. 3, 5

⁴ - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 49 .

(بانک مرکزی و ...) حداکثر امنیت و حمایت را در آمریکا نداشته و تعهد آمریکا به رفتار با آنها نه کمتر از مقتضیات حقوق بین الملل، نقض شده است، دیوان صلاحیت دارد تا حقوق مصونیت را در سیاق ماده ۴ (۲) عهدنامه مودت اعمال کند. وکیل ایران آقای ساموئل ورد ورث در جلسه استماع تصریح می کند که ممنوعیت وسیع توقیف اموال مگر برای هدف عمومی و با پرداخت فوری یک غرامت عادلانه، شامل هرگونه توقیف قضایی، قانون گذاری و اجرایی می شود و ماده ۴ (۲) هیچ گونه محدودیتی درخصوص نوع اموال یا نوع شرکت نپذیرفته است؛ آمریکا بدون پرداخت غرامت، اقدام به سلب مالکیت از اموال بانک مرکزی (اوراق بهادار) نموده است و تعیین این که آیا این اقدام مبتنی بر یک هدف عمومی بوده است یا خیر، مسئله ای مربوط به مرحله رسیدگی ماهیتی است.^۱

پس از دفاعیات طرف ها، دیوان بدون بررسی ماهیت حقوقی بانک مرکزی به عنوان یک «شرکت»، اعلام می کند که از آنجایی که طرف ها در مقدمه عهدنامه، هدف خود را تشویق سرمایه گذاری ها و تجارت پر سود دوجانبه و مراودات اقتصادی نزدیک میان اتباعشان و تنظیم روابط کنسولی اعلام کرده اند و با توجه به عنوان عهدنامه مودت، تفسیر ایران از ماده ۴ (۲) عهدنامه - و استناد به عبارت «مقتضیات حقوق بین الملل» - در ماده مزبور با موضوع و هدف عهدنامه تطبیق نمی کند. همچنین به نظر دیوان، عبارت «حقوق بین الملل» در این ماده محدود به استاندارد حمایت حداقلی از اموال فعالان اقتصادی هر یک از طرف ها در سرزمین طرف دیگر عهدنامه است و ارتباطی به واحدها و مؤسسه های دولتی بر اساس اصل برابری حاکمیت دولت ها ندارد و شامل آن ها نمی شود. دیوان با بررسی سایر جمله ها و عبارتهای بند دوم و همچنین بند نخست ماده ۴ به این نتیجه می رسد که هدف این ماده تضمین برخی حقوق و حمایت های حداقلی برای اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر در فعالیت های اقتصادی است و شامل قواعد عرفی مربوط به مصونیت دولت نمی شود.^۲

مقرر دیگر که مورد استناد ایران در مورد مسئله مصونیت، ماده ۳ (۲) عهدنامه مودت است. طبق این ماده، اتباع و شرکت های هر یک از طرف های عهدنامه در دسترسی به دادگاهها و نهادهای اداری و اجرایی در سرزمین طرف دیگر - در همه مراجع یا برای دفاع یا مطالبه حقوق - آزاد خواهند بود تا عدالت، بی طرفانه و بی درنگ اجرا شود و در هیچ صورتی نباید این دسترسی تحت شرایطی نامساعدتر از شرایطی قرار گیرد که برای اتباع و شرکت های دول ثالث در نظر گرفته شده است. شرکت هایی که در کشور طرف عهدنامه فعالیت نمی کنند نیز بدون هیچ پیش شرطی در خصوص ثبت و بومی بودن، محق به برخورداری از چنین دسترسی خواهند

^۱ - محبی، محسن، بذآر، وحید (۱۳۹۸) رویکرد تفسیری دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا). فصلنامه ی قضاوت، شماره ۹۸، صص ۵۳ - ۸۰، ص ۶۱.

^۲ - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 57-58.

بود. ایران استدلال می‌کند که برای بررسی این که آیا آمریکا این حق دسترسی را تأمین کرده یا نه، باید دید که آیا ممانعت آمریکا از حق واحدها یا مؤسسه‌های ایرانی در استفاده از مصونیت (در مقام دفاع در دادگاه‌های آمریکا) مطابق حقوق بین الملل عرفی است؟^۱ همچنین، واحدها و مؤسسه‌های کشورهای دیگر که به اعمال حاکمیتی اشتغال دارند - به خصوص بانک‌های مرکزی - می‌توانند به مصونیت قضایی و اجرایی خود نزد دادگاه‌های آمریکا استناد کنند و تنها بانک مرکزی ایران است که به موجب بخش ۵۰۲ «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (۲۰۱۲)» از این حق محروم شده است.^۲ در مقابل آمریکا ضمن رد استدلال ایران بیان می‌کند که آزادی دسترسی به دادگاه که در عهدنامه مودت پیش بینی شده، به این معنا نیست که برخی مؤسسه‌ها نباید تحت تعقیب قرار گیرند یا این که اموال آن‌ها نباید توقیف شود، بلکه حق دسترسی به دادگاه تنها متضمن اجازه دسترسی به دادگاه است و هیچ گونه حقوق یا تضمین در خصوص دفاعیاتی که ممکن است در دادگاه مطرح شود، اعطا نمی‌کند. دیوان تصریح می‌کند که نه از معنای متداول عبارات ماده ۳ (۲) و نه از سیاق آن‌ها و نه در پرتو موضوع و هدف عهدنامه مودت این نتیجه حاصل نمی‌گردد که تعهد آمریکا به اعطای دسترسی آزاد شرکت‌های ایرانی به دادگاه‌های آمریکایی متضمن تعهد به رعایت مصونیت آن‌ها طبق حقوق بین الملل عرفی نیز هست و این‌ها دو موضوع متمایز از یکدیگرند. در واقع، ماده ۳ (۲) در پی تضمین حقوق شکلی یا ماهوی که شرکت‌ها یا مؤسسه‌های هر طرف با مراجعه به دادگاه‌ها یا مراجع طرف دیگر عهدنامه به دنبال آن است، بلکه در عهدنامه تنها دسترسی به دادگاه‌ها یا مراجع مزبور مدنظر است.^۲

در نهایت، دیوان در نتیجه گیری پایانی خود اعلام می‌کند که هیچ کدام از مواد مورد استناد ایران، مسئله مصونیت دولتی را که در حقوق بین الملل عرفی تضمین شده است، به عنوان یک موضوع مربوط به تفسیر و اجرای عهدنامه مودت در قلمرو ماده ۲۱ (۲) و در نتیجه در صلاحیت دیوان قرار نمی‌دهد و بنابراین، دیوان ایراد مقدماتی دوم ایالات متحده آمریکا را - با ۱۱ رأی به ۴ رأی - می‌پذیرد.^۳ باید به این نکته توجه داشت که دیوان در این مرحله از رسیدگی، به این مسئله نپرداخت که آیا بانک‌های مرکزی در سرزمین دولت‌های خارجی از، مصونیت برخوردارند یا خیر، بلکه صرفاً قصد پاسخ به این مسئله را داشت که آیا چنین مصونیتی را می‌تواند در عهدنامه مودت به عنوان مبنای سند مبنای صلاحیت خود بیابد تا پس از احراز صلاحیت، در مرحله رسیدگی ماهیتی به مسئله نخست بپردازد؟ این امر، مورد انتقاد قاضی گئورگین قرار می‌گیرد. او در نظریه جداگانه‌اش که به رأی دیوان ضمیمه نمود، بیان می‌کند که دیوان باید صلاحیتش نسبت به رسیدگی به ادعاهای

^۱ - . Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019 , para. 67 .

^۲ - . Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I. C. J. Reports 2019, paras. 68, 70

ایران در خصوص مصونیت را بر اساس مواد ۳ (۲) و ۱۰ (۱) عهدنامه می پذیرفت. او با تکرار اظهارنظر دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» (معاهدات با ماهیت اقتصادی، طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با تجارت را دربر می گیرند) می گوید با توجه به نقش اساسی بانک مرکزی در اجرای مؤثر مبادلات اقتصادی شرکت های ایرانی با آمریکا، پیامد مستقیم نادیده گرفتن مصونیت ایران و شرکت های ایرانی به واسطه اتخاذ برخی تدابیر، نقض «آزادی تجارت» مندرج در ماده ۱۰ (۱) عهدنامه مودت است. همچنین، تدابیر اتخاذ شده از سوی آمریکا، بانک مرکزی ایران را از یک دفاع شکلی مقدماتی - استناد به مصونیت - محروم می کند که این امر، شرایط نامساعدتری را برای بانک مرکزی ایران در مقایسه با سایر بانک های مرکزی که در آمریکا فعالیت می کنند، فراهم می آورد.^۱

۲-۱-۱-۳- عدم شمول عهدنامه نسبت به بانک مرکزی به عنوان شرکت

آمریکا) در ایراد سوم خود بیان می کند که بانک مرکزی ایران به این سبب که اعمال صرفاً حاکمیتی را انجام می دهد و به فعالیت های ماهیتاً تجاری نمی پردازد، اساساً «شرکت» در مفهوم مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت محسوب نمی شود و خارج از قلمرو این مواد قرار می گیرد و دیوان باید بر همین اساس، کلیه ادعاهای ایران در مورد نقض این سه ماده را خارج از صلاحیت خود اعلام کند. در این قضیه، اهمیت تلقی بانک مرکزی به عنوان یک «شرکت» در چارچوب عهدنامه مودت از این جهت است که عهدنامه مودت، حق هایی را برای شرکت ها برشمرده است که اگر بانک مرکزی، شرکت قلمداد شود از آن ها برخوردار خواهد بود و در نتیجه می توان نقض این حق ها از سوی ایالات متحده را به دیوان ارجاع کرد. این حق ها عبارتند از: آزادی دسترسی به دادگاه و نهادهای اداری و اجرائی به منظور مطالبه یا دفاع از حقوقشان (ماده ۳ (۲))، حق بر رفتار عادلانه و منصفانه و منع رفتار تبعیض آمیز یا غیرمعقول (ماده ۴ (۱))، حداکثر حمایت دائمی از اموال شرکت ها که کمتر از مقتضیات حقوق بین الملل نباشد و حق بر عدم توقیف این اموال جز با پرداخت فوری یک غرامت عادلانه و جز برای یک هدف عمومی (ماده ۴ (۲))، حفاظت از اماکن مورد استفاده شرکت ها از ورود یا مزاحمت بدون دلیل موجه و ورود صرفاً بر اساس قانون (ماده ۵ (۳))، منع رفتار تبعیض آمیز با سرمایه گذاری شرکت ها در مقایسه با سرمایه گذاری شرکت های دولت های ثالث در فعالیت های مشابه (ماده ۵ (۴)) و منع رفتار تبعیض آمیز در خصوص حق شرکت ها در اجاره یا فروش اموال منقول یا غیرمنقولشان در مقایسه با شرکت های دولت های ثالث (ماده ۵). (محبی و بذار، ۱۳۹۸، ۷۰)

¹ – Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I. C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge Gevorgian, paras. 9-12

وکیل آمریکا آقای یلدریج بیان می کند که از یک طرف، بانک مرکزی به عنوان یک شرکت محق به بهره مندی از حمایت های عهدنامه مودت معرفی می شود و از طرف دیگر، ایران آن را به عنوان یک دستگاه حاکمیتی برخوردار از مصونیت بر اساس عهدنامه مودت می داند. او ایران را به فردی تشبیه می کند که هم می خواهد کیک را بخورد و هم آن را نگه دارد. به عقیده او خوانش با حسن نیت از معنای متداول عبارات عهدنامه و در سیاق و در پرتو موضوع و هدف آن اجازه نمی دهد که یک موجودیت دولتی بتواند به صرف استقلال شخصیت حقوقی، از حمایت های ارائه شده برای شرکت های خصوصی بهرهمند شود و موضوع و هدف عهدنامه مودت نشان می دهد که طرف های آن قصد نداشته اند مؤسسه های دولتی را که کارکردهای حاکمیتی دارند به عنوان شرکت قلمداد نماید.^۱

در مقابل، ایران ضمن تأکید بر ماهیت بانک مرکزی به عنوان یک شرکت، بیان می کند که ماده ۳ (۱) عهدنامه مودت، تعریف بسیار موسعی از مفهوم «شرکت» پذیرفته است و هر موجودیتی را که بر اساس نظام حقوقی ای که در آن ایجاد شده و دارای شخصیت حقوقی باشد - فارغ از فعالیت یا ساختار آن - دربر می گیرد. همچنین، بانک مرکزی ایران طبق ماده ۱۰ «قانون پولی و بانکی» دارای شخصیت حقوقی است و تابع مقررات شرکت های سهامی - نه مقررات دستگاه های عمومی - است. به علاوه، بانک مرکزی به عنوان یک واحد و مؤسسه به دولت مالیات می پردازد و می تواند مانند هر شخص حقوقی هر نوع قراردادی منعقد نموده یا خدمات و کالاها را خرید و فروش کند و نزد دادگاه حاضر شود. یکی از وکلای ایران خانم فیلیپا وب در این مورد گفت دادگاه استیناف آمریکا در قضیه ف «لاتو»^۱ استقلال شخصیت حقوقی بانک صادرات از دولت ایران را پذیرفته و ماده ۱۶۱۱ (ب) (۱) قانون آمریکا در مورد مصونیت دولت های خارجی (۱۹۷۶) نیز جز در صورت اعراض صریح بانک خارجی، مصونیت آن را غیر قابل خدشه اعلام کرده است.^۲ ایران به عنوان استدلال جایگزین اضافه می کند که ایراد مقدماتی سوم آمریکا ویژگی «صرفاً مقدماتی» ندارد و دیوان باید پس از استماع ادله طرف ها در مرحله رسیدگی ماهیتی در این خصوص اظهارنظر کند.^۳

دیوان ایراد آمریکا را رد کرد و گفت موجودیت هایی که به طور جزئی یا کلی تحت مالکیت دولت هستند می توانند «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شوند و این واقعیت که دولت، فعالیت های بانک را هدایت و به دقت کنترل می کند، به خودی خود اثبات کننده این نیست که آن بانک از شمول مفهوم «شرکت» در معنای عهدنامه مودت خارج می شود. البته دیوان استدلال ایران در خصوص بی اهمیت بودن ماهیت فعالیت های انجام شده را نمی پذیرد و اعلام می کند که مؤسسه ای که فعالیت های صرفاً حاکمیتی و مرتبط با

^۱ - Verbatim Record of 8 October 2018 (Donald Earl Childress), pp. 43, 45, paras. 8, 16

^۲ - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 83

کارکردهای حاکمیتی دولت را انجام می‌دهد نمی‌تواند به‌عنوان شرکت در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شده و از حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در آن عهدنامه بهره‌مند شود. به عبارت دیگر، به عقیده دیوان، نوع فعالیت هر مؤسسه یا موجودیت تعیین‌کننده خواهد بود. از این رو، حتی اگر اشتغال اصلی یک شخص حقوقی، ماهیت اقتصادی نداشته باشد، اما تا جایی که این شخص فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهد، «شرکت» در معنای عهدنامه مودت قلمداد می‌شود. علی‌القاعده، دیوان با این نتیجه‌گیری باید به سراغ این امر می‌رفت که ماهیت فعالیت‌های بانک مرکزی در رسیدگی ماهیتی مرتبط هستند، با اکثریت ۱۱ رأی موافق نسبت به ۴ رأی مخالف تصمیم گرفت که ایراد مقدماتی سوم را تنها پس از استماع استدلال‌های طرف‌های اختلاف در مرحله رسیدگی ماهوی رسیدگی و تعیین تکلیف کند و با توجه به اوضاع و احوال قضیه، این ایراد آمریکا یک ویژگی صرفاً مقدماتی ندارد. نکته ظریف حقوقی این است که وظیفه دیوان در این مرحله از رسیدگی (صلاحیت) این نیست که تعیین کند که آیا برخی حقوق بانک مرکزی نقض شده است یا خیر؛ زیرا این پرسش، ماهوی است. دیوان باید در مرحله رسیدگی صلاحیتی احراز کند که آیا همان‌طور که ایران ادعا می‌کند، برای بانک مرکزی در عهدنامه مودت حقوقی قابل‌تصور است یا خیر و اگر چنین حقوقی وجود دارد و بین طرف‌ها «اختلاف» وجود دارد، دیوان برای رسیدگی به نقض آن‌ها در مرحله ماهیتی، صلاحیت دارد؟ قاضی کرافورد و قاضی تومکا به‌عنوان مخالفان این اظهارنظر، یک نظریه جداگانه مشترک به رأی دیوان ضمیمه نمودند و در آن به ارائه دلایل مخالفت خود پرداختند. آنها دو نکته را مطرح کردند: نخست آنکه تعریف «شرکت» در عهدنامه مودت به هیچ وجه به ماهیت فعالیت‌های یک مؤسسه برای احراز شرکت بودن آن اشاره نمی‌کند. همچنین آن‌ها معتقدند که این ایراد آمریکا یک ایراد صرفاً مقدماتی بود که دیوان اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری نسبت به آن را در اختیار داشت و محول کردن تصمیم‌گیری نسبت به این موضوع به مرحله رسیدگی ماهیتی ممکن است دیوان را با شرایطی مواجه کند که در قضیه بارسلونا «تراکشن» ایجاد کرده بود و این برخلاف ماده ۷۹ (۹) آیین دادرسی دیوان است که در سال ۱۹۷۸ جایگزین ماده ۶۲ (۵) آیین دادرسی سابق شده بود.

۲-۱-۲- ایرادهای مقدماتی ایالات متحده آمریکا: عدم قابلیت پذیرش دعوا

ایالات متحده آمریکا در مورد عدم قابلیت پذیرش دعوا (با هدف رد دادخواست ایران در کلیت آن) دو ایراد «سوءاستفاده از روند دادرسی»^۱ و «عدم پاکدستی مدعی»^۲ را مطرح کرده است.

^۱ - Abuse of Court

^۲ - Clean Hands

۲-۱-۲-۱- سوء استفاده از روند دادرسی

آمریکا استدلال می کند که شرایط بنیادینی که عهدنامه مودت تحت آن منعقد گردید و به ویژه روابط کنسولی، اقتصادی و دوستانه ای که در آن مورد توجه بوده، امروزه وجود ندارد و رابطه دوستانه دولتی در چهارم نوامبر ۱۹۷۹ با اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگانگیری ۴۴۴ روزه کارکنان آن از هم گسسته شد. آمریکا می افزاید که ایران با توسل به این عهدنامه به دنبال اجرای حق های مندرج در عهدنامه نیست بلکه قصد دارد تا دیوان را در یک اختلاف استراتژیک گسترده تری گرفتار کند. همچنین، ادعاهای نامربوط ایران، هدف های عهدنامه مودت را واژگون ساخته است و هنگامی که ایران ادعاهای مربوط به مصونیت را مطرح می کند، در تلاش برای بازنویسی عهدنامه مودت است و این دولت، با دست بردن در عهدنامه مودت در نتیجه بی اعتنائی به موضوع و هدف آن، اصل اساسی حسن نیت را نقض می کند.^۱

دیوان پس از بررسی موضوع می گوید که در این قضیه، شرایط استثنائی که رد دعوای ایران را بر اساس سوءاستفاده از روند دادرسی توجیه کند وجود ندارد.^۲ این نتیجه گیری دیوان در خصوص ایراد «سوءاستفاده از دادرسی»، منطبق با رویه سابقش نسبت به موضوع است. دیوان در رویه قبلی به این امر تصریح کرده بود که تنها در شرایط استثنائی، دعوا را به واسطه «سوءاستفاده از روند دادرسی» غیر قابل استماع اعلام می نماید. دیوان ادعای آمریکا در خصوص گسسته شدن عهدنامه مودت ایران-آمریکا را نیز نمی پذیرد. این رویکرد، مطابق رویه ای است که دیوان همواره نسبت به خاتمه یا لغو معاهدات بین المللی در پیش گرفته است. دیوان در قضایای متعدد، ادعاهای طرفهای اختلاف در خصوص عدم تعهد به واسطه از بین رفتن معاهدات بین المللی را در اغلب موارد نپذیرفته و تلاش کرده با تفسیر مضیق از استثنائات خاتمه معاهدات، بر اصل لزوم «وفای به عهد» طرف های عهدنامه تأکید کند. البته شاید این تصور به وجود آید که دیوان برای توسیع صلاحیت خود، به این قبیل ایرادها توجه نمی کند و در خصوص عدم اعتبار معاهداتی که به آن اعطای صلاحیت می کنند، به تفسیر مضیق روی می آورد. اما رویه دیوان در مورد معاهداتی که چنین ویژگی ای را ندارند، این فرضیه را رد می کند. مثال بارز این وضعیت، طرز عمل دیوان در قضیه گابچیگُوو «ناگیماروس» است. در قضیه مزبور که اختلاف میان دولت های اُسلوآکی و مجارستان نزد دیوان مطرح بود، مجارستان با ادعاهای «ممکن نبودن اجراء»، «تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد» و نقض معاهده دوجانبه سال ۱۹۷۷ میان دو کشور از سوی طرف ها، سعی داشت در اعتبار معاهده مزبور خدشه وارد کند و آن را نفی نماید.^۳ اما دیوان ضمن رد تمامی ادعاهای

^۱ - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 107-108

^۲ - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 113-114

^۳ - بذآر، وحید. (۱۳۹۹). مسئولیت بین المللی دولت کانادا به واسطه نقض مصونیت دولت ایران در نتیجه توقیف حساب های بانکی و فروش اموال ایران به منظور اجرای آرای دادگاه های امریکا. مجله حقوقی بین المللی 37، (شماره ۶۳ - پاییز - زمستان)، ۲۶۵-۲۸۲. ص ۱۹۵.

مربوط به بی اعتباری معاهده ۱۹۷۷، اعلام کرد که اگرچه طرف های اختلاف، «خطاهای متقاطع» داشته و با عدم اجرای تعهدات معاهداتی خود، معاهده را به طور مکرر نقض کرده اند، اما رفتار متخلفانه متقابل طرف ها نمی تواند سبب خاتمه معاهده یا مستمسکی برای پایان دادن به آن باشد، مگر این که طرف ها به طور مشترک رضایت به خاتمه معاهده دهند.^۱

۲-۱-۲-۲ - عدم پاکدستی مدعی^۲

تئوری دست ناپاک در حقوق بین الملل یعنی اینکه دولت زیان دیده ای که درخواست قانونی را مطرح می سازد خودش چندان بی گناه نبوده است و بر این اساس نباید از حمایت های قانونی بین المللی برخوردار بشود. در این دعوی نیز دولت امریکا همچنان که در بند ۷۶ رای ذکر شده است در اعتراضات اولیه خود مدعی شده که درخواست دولت ایران غیرقابل قبول بوده، زیرا که ایران به دلیل حامی تروریست بودن «دست های ناپاک» به دادگاه آمده است.

ریشه دکتین عدم پاکدستی مدعی را باید در اصول انصاف و حسن نیت جستجو نمود^۳. همچنین، مدلول این دکتین در برخی از اصول کلی حقوقی از جمله «عمل غیرقانونی نمی تواند مبنایی برای ادعای حقوقی قرار بگیرد»^۴، هیچ «هیچ دعوایی نمی تواند مبتنی بر سبب ناپسند باشد»^۵ و «هیچ کس نمی تواند شرایط خود را با ارتکاب جرم بهبود ببخشد»^۶، مورد توجه قرار گرفته است^۷. آمریکا با این که اقرار می کند که دیوان سابقاً هرگز ایراد عدم پاکدستی مدعی را نپذیرفته است، اما تأکید می کند که دیوان هرگز آن را رد نیز نکرده است و اکنون زمان آن رسیده که دیوان آن را تصدیق و اجرا کند.^۸ آمریکا استدلال می کند که ایران که از تروریسم بین المللی پشتیبانی و حمایت می کند و در منطقه اقدامات بی ثبات کننده در مغایرت با منع اشاعه هسته ای، موشک های بالستیک و انباشت تسلیحات انجام می دهد، در این قضیه در واقع دنباله جبران رأی پت

^۱ - Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997, paras. 114, 153

^۲ - Unclean Hand

^۳ - Kreindler, Richard, (2010) "Corruption in International Investment Arbitration: Jurisdiction and the Unclean Hands Doctrine," Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke-edited by Kaj Hober, Annette Magnusson and Marie Öhrström, Juris Publishing, pp. 281-323. P 371

^۴ - . ex delicto non oritur actio.

^۵ - ex turpicausa non oritur actio

^۶ - nemo ex suo delicto meliorem suam conditionem est facit.

^۷ - Llamzon, Aloysius, (2015) "Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation: The State of the „Unclean Hands“ Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha," ICSID Review - Foreign Investment Law Journal, Vol. 30, Issue. 2, 2015, pp. 315-325.

^۸ - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 117; Verbatim Record of 8

رسون است که به واسطه حمایت ایران از تروریسم صادر شده است.^۱ آقای پت / هم یکی از وکلای آمریکا، در جریان استماع نزد دیوان بسیار تلاش نمود تا اقدامات حزب الله لبنان را به دولت ایران منتسب کند. او نخست برخی اقدامات از جمله حمله به سفارت آمریکا در لبنان (۱۹۸۳)، انفجار مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در لبنان (۱۹۸۳)، ترور چهار عضو حزب دموکراتیک کردستان ایران در رستوران «میکونوس» آلمان (۱۹۹۲) و انفجار مرکز یهودیان آرژانتین (آمیا) (۱۹۹۴) را به عنوان اعمال ارتكابی حزب الله لبنان معرفی می کند و سپس با اشاره به سخنان سیدحسن نصرالله (رهبر حزب الله لبنان) در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۶، اقدامات مزبور را به دولت ایران منتسب می کند. او تأکید می کند که خواهانی که با سوءنیت به دادگاه می آید و برای صلاحیت دادگاه به یک عهدنامه دوستی استناد می کند تا اقدامات خود را توجیه کند، مبنای وجودی یک دادرسی عادلانه را به چالش می کشد. نماینده رابط و وکیل آمریکا آقای ویس ک نیز برای اثبات عدم پاکدستی پاکدستی ایران، به دستگیری آقای اسدالله اسدی (دیپلمات ایرانی در اتریش) به اتهام مشارکت در طراحی بمب گذاری اجتماع ضد ایرانی در پاریس در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ اشاره و ادعا می کند که ایران، حمایت تروریسم را در سطح جهان راهبری می کند.^۲

تیم حقوقی دولت ایران در مقابل این ادعاها ساکت نمی نشیند. نماینده رابط و وکیل ایران با اشاره به فهرست وقایع تروریستی از جمله کشتن دیپلماتهای ایرانی در کابل به وسیله طالبان (۱۹۹۸)، عملیات تروریستی در مجلس ایران به وسیله داعش (۲۰۱۷) و عملیات تروریستی در اهواز (۲۰۱۸) که علیه ایران و اتباع ایرانی انجام شده است، می گوید که ایران قربانی اصلی تروریسم است و با استناد به بیانات رهبر ایران (آیت الله سیدعلی خامنه ای) اعلام می کند که ایران همواره تروریسم را محکوم کرده است. او همچنین در خصوص اتهامات مطروح علیه ایران به دیوان اعلام می کند اگر آمریکا به راستی معتقد است که ایران اقدامات متخلفانه متعددی پس از انقلاب ایران انجام داده است، پس چرا - با این که می توانست - هیچ گاه شکایتی را علیه ایران در خصوص اقدامات مزبور در دیوان مطرح نکرد؟ او تأکید می کند که فهرست طولانی از اقدامات تروریستی آمریکا و حمایت از جریان های معارض جمهوری اسلامی ایران وجود دارد اما موضوع این پرونده امر دیگری است و اظهارات آمریکا برای منحرف کردن دیوان است و ارزش پاسخ ندارد. قاضی ممتاز نیز به عنوان یکی از موافقان رویکرد ایران، در این خصوص به اظهارنظر دیوان در قضیه «مصونیت های صلاحیتی» چنین اشاره می

^۱ ۱۱۶. - Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports ۲۰۱۹, para. ۷.

^۲ 5. Verbatim Record of 11 October 2018 (Richard C. Visek), p. 58, para. 14

کند: «مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، یک دولت به واسطه این واقعیت که متهم به نقض حقوق بشر یا حقوق مخاصمات مسلحانه است، از مصونیت محروم نمی‌شود.»

در نهایت، دیوان ایراد مبتنی بر عدم پاکدستی مدعی را رد می‌کند، اما بیان می‌کند که این اظهار نظر دیوان مانع طرح ادعاهای آمریکا در مرحله رسیدگی ماهیتی نمی‌شود.^۱ رای دیوان در این قسمت صراحتاً ادعای آمریکا را در توسل به این دکترین رد می‌کند و جمله‌ای را بیان می‌دارد که می‌تواند مبنایی برای دعوی مشابه با استناد به این تئوری باشد. انشای دیوان در این خصوص که در صفحه ۳۰ آن ذکر شده، چنین است: «حتی اگر نشان داده شود که رفتار متقاضی خارج از سرزنش نیست، این امر به خودی خود برای تایید اعتراض نسبت به قابل پذیرش بودن مطرح شده توسط خوانده کافی نیست...»

۲-۲- رای دیوان در ماهیت اختلاف

در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ (۱۰ فروردین ۱۴۰۲)، دیوان بین‌المللی دادگستری رای خود را در مورد ماهیت پرونده مربوط به برخی دارایی‌های ایرانیان (شکایت جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا) صادر کرد. در چهار مورد، دولت ایالات متحده را در اثر نقض تعهدات ناشی از مواد ۳ (بند ۱)، ماده ۴ (بندهای ۱ و ۲) و ماده ۱۰ (بند ۱) معاهده «مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» مصوب ۱۵ اوت ۱۹۵۵ به عنوان متخلف مورد شناسایی قرار داد.

به رغم انتظار از دیوان برای انتشار رأی نهایی در دست‌کم بیش از ۱۰۰ صفحه، اما دیوان به صورت گذرا تنها در ۷۰ صفحه (با کسر صفحات مقدماتی و تکرار مباحث زمان‌بندی رسیدگی و حقایق موضوع، کمتر از ۵۰ صفحه) به مباحث مختلف پرداخته و از صرف وقت جهت استدلال‌پردازی گاه موجه و توضیح بیشتر برای ادعاهای مختلف امتناع کرده است که این امر در نظر برخی قضات مورد توجه بوده و در نظرات جداگانه برخی قضات شاهد توضیح بیشتر برای استدلال‌های دیوان هستیم. این در حالی است که تصمیم ۲۰۱۹ دیوان در مرحله ایرادات مقدماتی همین دعوا ۴۲ صفحه است.

پیش از آنکه به جزئیات این رای اشاره کنیم لازم است اشاره کنیم که رای به جهت ابهام در موارد و به دلیل عدم پوشش تمامی خواسته‌های ایران و عدم پذیرش ایرادات آمریکا به طور کامل، دو پهلو بوده و هر کدام از طرفین نیز آن را به سود خود می‌دانند؛ چنانکه معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به رای دیوان بین‌المللی دادگستری درباره ایران آن را از سویی "ضربه بزرگی" به ایران و از سوی دیگر ناامید کننده خواند. ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اظهار داشت: در کل باید بگوییم این تصمیم در واقع یک ضربه

¹ - 3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 123-124.

بزرگ به ایران برای فرار از مسئولیتش به خصوص در ارتباط با خانواده های نیروهای حافظ صلح آمریکایی که در بمبگذاری سال ۱۹۸۳ در بیروت کشته شدند، است. ما نقش مهم این دادگاه و سهم آن در اجرای حاکمیت قانون را به رسمیت می شناسیم. ایالات متحده از حکم دادگاه در ارتباط با بانک مرکزی که "بخش عمده" پرونده را تشکیل می دهد، قدردانی می کند. این در حالی است که وزارت امور خارجه ایران با صدور بیانیه ای، اعلام کرد: رای دیوان بین المللی دادگستری در تاریخ دهم فروردین ۱۴۰۲ سند دیگری بر حقانیت مواضع جمهوری اسلامی ایران و بیان کننده رفتارهای متخلفانه دولت ایالات متحده آمریکا است. دیوان در رأی خود با احراز نقض تعهدات بین المللی از سوی دولت ایالات متحده آمریکا، تصریح نموده است که دولت آمریکا تعهدات مندرج در ماده ۳ (بند ۱)، ماده ۴ (بندهای ۱ و ۲) و ماده ۱۰ عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا ۲۳ مرداد ماه ۱۳۳۴ (مطابق با ۱۵ اوت ۱۹۵۵) را نقض کرده است و مسئولیت بین المللی دولت آمریکا را احراز کرده است. دیوان بین المللی دادگستری پس از احراز مسئولیت بین المللی دولت آمریکا، آن دولت را ملزم به جبران خسارات نموده است. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که رأی صادره از سوی دیوان بین المللی دادگستری، نشانگر استواری استدلال ها و وثاقت درخواست ایران است. با این اوصاف نمی توان انتظار داشت که تحلیل رای بر مبنای نظریات طرفین قابل قبول و حتمی باشد و لزوما باید به منابع بی طرف و تحلیل های مستدل و منطقی توسل جست.

دیوان در یک نظر پیچیده در مورد موضوعاتی از «دست های ناپاک» تا سلب مالکیت، تشخیص داد که نمی تواند به ایالات متحده دستور دهد که نزدیک به ۱.۷۵ میلیارد دلار از دارایی های بانک مرکزی ایران را لغو کند، اما ایالات متحده را موظف کرد که به شرکت های ایرانی به خاطر تحریم ها و غرامت بدهد. توقیف سایر دارایی ها هم ایالات متحده و هم ایران به سرعت این تصمیم را به عنوان یک پیروزی توصیف کردند. ایالات متحده با صدور بیانیه ای، حکم دادگاه را "پیروزی بزرگ برای ایالات متحده و قربانیان تروریسم دولتی ایران" خواند. در همین حال، وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که رای دیوان بین المللی دادگستری، حقانیت ایران و تخلفات دولت آمریکا را ثابت می کند.^۱

مهمترین بندهای مرتبط با رای دیوان که تصمیم ماهوی آن را تشکیل می دهد شامل بندهای ذیل است که برخی حاکی از پذیرش دادخواست ایران و برخی مبتنی بر رد ادعای ایران بوده و پذیرش ایراد آمریکا را در بر می گیرد.

^۱ - <https://www.justsecurity.org/۸۵۹۸۲/after-icjs-certain-iranian-assets-judgment-iran-and-united-states-both-claim-victory/>

۲-۲-۱ ایراد به صلاحیت در مورد مواد ۳ و ۴ و ۵ که امریکا مطرح کرد مورد قبول است و دیوان نباید در مورد این مواد رسیدگی کند.

تایید اعتراض ایالات متحده به صلاحیت قضایی دیوان راجع به ادعای جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نقض مواد سوم، چهارم و پنجم عهدنامه مودت ۱۹۵۵ توسط دولت امریکا که دیوان تایید می‌کند صلاحیت رسیدگی به این ادعا را تا حدی که به بانک مرکزی مرتبط است، ندارد. (صلاحیت صدور حکم درباره شکایت ایران از امریکا برای آزاد کردن دارایی‌های متعلق به بانک مرکزی ایران) این حکم با رای اکثریت قضات دیوان تایید شده است

ICJ تنها براساس سند صلاحیتی اعطاء شده می‌تواند اقدام به صدور رای نماید و در این قضیه، تنها سند مبنای صلاحیتی دیوان، «عهدنامه مودت ۱۹۵۵» میان دولتهای ایران و آمریکا بوده است. این محدودیت صلاحیتی، دست دیوان را برای اظهار نظر وسیعتر در خصوص رعایت و یا عدم رعایت حقوق بین‌الملل توسط طرفین دعوی بسته بود. بدیهی است اگر مبنای صلاحیت دیوان، صدور اعلامیه اختیاری پذیرش صلاحیت اجباری بود، آنگاه ICJ با اختیاری فراختر می‌توانست به دعوی رسیدگی نماید. بنابراین ممکن است ایالات متحده ناقض برخی تعهدات حقوق بین‌الملل بوده باشد، اما دیوان در چارچوب صلاحیت خود، اختیار و صلاحیتی برای اظهار نظر در مورد آن نداشته باشد.

موضوعی که بخش نسبتاً عمده‌ای از رای دیوان بین‌المللی دادگستری را به خود اختصاص داده موضوع شرکت بودن یا نبودن بانک مرکزی ایران در چارچوب عهدنامه مودت ۱۹۵۵ است. استدلال ایران مبتنی بر این نکته است که بانک مرکزی شرکت است و شخصیت حقوقی مستقل از دولت دارد و بنابراین اموالش هم مستقل است و نمی‌تواند موضوع ضبط اموال حکم دادگاه ایالات متحده قرار بگیرد. در اینجا اختلاف طرفین به‌طور مشخص راجع به تفسیر متفاوت از بند اول ماده سوم عهدنامه شکل گرفته است که می‌گوید: «شرکت‌هایی که طبق قوانین و مقررات مربوطه هر یک از طرفین متعاهدین تشکیل شده است، شخصیت حقوقی آنها شناخته خواهد شد.» عبارت «شخصیت حقوقی خود را خواهند داشت» (با آن شخصیت حقوقی شناخته خواهند شد)^۱. تفسیر ایران از این بند آن است که شخصیت حقوقی هر شرکت برابر مقررات هر کشور طرف قرارداد تعیین می‌شود ولیکن تفسیر امریکا از عبارت مزبور به شناسایی حقوقی یک شرکت در وضعیتی که وجود دارد، اشاره می‌کند. دولت امریکا ضمناً به موضوع خرق حجاب شرکت^۲ هم اشاره کرده است (خرق حجاب شرکت یعنی اینکه ضوابط و مقررات مربوط به

^۱ - Shall have their juridical status

^۲ - piercing the corporate veil

شرکت‌ها در قانون تجارت توسط مدیران رعایت نمی‌شوند و به این ترتیب دادگاه‌ها حجاب شخصیت حقوقی آنها را به عنوان شرکت کنار می‌گذارند و به رسمیت نمی‌شناسند. (بند ۱۲۸)

در این مورد دامنه استدلال‌های طرفین گسترده بوده و نهایتاً طبق بند اول احکام دیوان قضات دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرده‌اند که صلاحیت صدور حکم درباره مسدود شدن دارایی مسدود شده بانک مرکزی ایران را ندارند ولی البته دیوان می‌تواند درباره برخی دارایی‌های دیگر بعضی از شرکت‌های ایرانی که توسط مقامات آمریکایی مسدود شده‌اند، اظهار نظر کند و به همین خاطر هم در بندهای دیگری از حکم این دادگاه آمده که مسدود کردن دارایی‌های شرکت‌های ایرانی از سوی آمریکا غیرقانونی بوده است و واشنگتن باید مبلغی را که رقم آن بعداً مشخص خواهد شد، به عنوان غرامت پرداخت کند.

دیوان در مرحله رسیدگی ماهیتی، با عدول ضمنی از معیار ماهیت تجاری اموال که خود تعیین کرده بود، اعلام کرد که ارتباط این اوراق با کارکرد حاکمیتی بانک مرکزی روشن نیست و نسبت به ماهیت تجاری آنها مجاب نشده است و لذا اعلام کرد از قلمرو صلاحیت موضوعی دیوان به موجب معاهده مودت خارج است. بنابراین، این بخش از خواسته ایران رد نشده، بلکه از شمول صلاحیت دیوان خارج شده است، همچنان که در قضیه ملی شدن صنعت نفت، ادعای شرکت نفت ایران و انگلیس به جهت عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در همان مرحله رسیدگی صلاحیتی به جهت عدم احراز صلاحیت دیوان رد شد.^۱

در رای ۳۰ مارس، دیوان به موضوع صلاحیتی باقی مانده بازگشت و تشخیص داد که صلاحیت رسیدگی به دعاوی ایران در رابطه با نقض ادعایی ایالات متحده از معاهده دوستی در رابطه با بانک مرکزی را ندارد. این معاهده فقط به «اتباع» (اشخاص حقیقی) و «شرکت‌ها» مزایا اعطا می‌کند. ایالات متحده با موفقیت استدلال کرد که بانک مرکزی در مفهوم معاهده یک «شرکت» نیست و بنابراین، بانک مرکزی ایران تحت حمایت معاهده قرار نمی‌گیرد. این تصمیم قضایی بسیار مهم بود زیرا دارایی‌های نزدیک به ۱.۷۵ میلیارد دلار را پوشش می‌داد که بیشتر مطالبات پولی کلی ایران را نشان می‌داد. دیوان در صدور رای خود به جای شخصیت حقوقی جدا از دولت ایران، به «ماهیت» فعالیت بانک مرکزی توجه ویژه‌ای داشت. ایران مدعی شد که سرمایه‌گذاری بانک مرکزی در اوراق قرضه غیر مادی صادر شده در بازار مالی ایالات متحده و مدیریت متعاقب آن عواید حاصل از این ۲۲ اوراق بهادار، آن را به عنوان یک «شرکت» تحت این معاهده معرفی کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری متقاعد نشد و حکم داد که این بانک در سطح کافی از فعالیت‌های تجاری شرکت نمی‌کند تا به عنوان یک «شرکت» تحت

^۱ - <https://www.hamshahrionline.ir/news/>

حمایت معاهده شناخته شود. دیوان حکم داد که عملیات بانک مرکزی در ایالات متحده «بخشی از فعالیت معمول یک بانک مرکزی و غیرقابل تفکیک از عملکرد حاکمیتی آن است»^۱.

۲-۲-۲- ایراد قابلیت استماع در مورد نقض عدم رجوع به کلیه مراجع جبران خسارت داخلی^۲ قبل از اقامه دعوا در دیوان رد است.

دیوان با رای اکثریت بسیار بالا (۱۳ در برابر ۲) رعایت قاعده طی کلیه مراجع داخلی در آمریکا برای شرکتهای ایرانی در اثبات زیانهای وارده را لازم ندانست.

در واقع این بند بیان می کند که اعتراض آمریکا راجع به پذیرش دعاوی شماری از شرکتهای ایرانی (که اموالشان از سوی آمریکا مسدود شده است) و رد استناد آمریکا مبنی بر اینکه شاکی ابتدا باید برای احقاق حق خود به مراجع داخلی کشور ذی ربط (یعنی آمریکا) مراجعه و در صورت عدم احقاق حق در صورت وجود امکان قانونی به مراجع بین المللی شکایت کند. این حکم با رای ۱۳ به ۲ توسط قضات دیوان تایید شده است.

ماحصل این قاعده آن است که با هدف حفظ حاکمیت دولت ها، افراد ملزم به جست و جوی جبران خسارت ابتدائاً در سیستم حقوقی و مراجع قضایی خود کشور مربوطه هستند و پس از آن می توانند به مراجع بین المللی مراجعه کنند. این استدلال دولت آمریکا نیز برابر آنچه در صدر صفحه ۲۸ رای انشاء شده، مورد پذیرش دیوان قرار نگرفته و موضوع را مشمول اجرای این قاعده هم ندانسته است.

دیوان بین المللی دادگستری در رد این دکترین که استدلال وکلای آمریکایی بوده است به پرونده اونا^۳ اشاره می کند. این پرونده اختصاراً به Avena شهرت دارد و شرح مختصر پرونده آن است که دولت مکزیک علیه دولت آمریکا به دلیل نقض تعهداتش مطابق کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی برای ملاقات با شهروندان زندانی در سال ۲۰۰۳ دعوایی را در دیوان بین المللی دادگستری اقامه کرد. دیوان در آن پرونده ایالات متحده را به نقض تعهدات مصرح در کنوانسیون وین راجع به روابط کنسولی مقصر شناخت. استدلالی که در آن پرونده توسط ایالات متحده مطرح و رد شد مشابه استدلالی بود که در پرونده حاضر با ایران وجود داشت به این معنی که دولت مکزیک باید به مراجع قضایی داخلی آمریکا مراجعه و طرح دعوی و سپس در مرجع قضایی بین المللی طرح دعوی می کرد .

^۱ - <https://www.justsecurity.org/۸۵۹۸۲/after-icjs-certain-iranian-assets-judgment-iran-and-united-states-both-claim-victory/>

^۲ - exhaustion of local remedies

^۳ - Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America) , 2004, Judgment, I.C.J. Reports 2004, 12; General List No. 128 -

۲-۲-۳- پذیرش نقض بند ۱ ماده ۳ عهدنامه مودت

ایران و ایالات متحده بر سر معنای بند ۱ ماده ۳ عهدنامه‌ی موردت اختلاف نظر داشتند. این ماده از معاهده، که برای شرکت‌های ایرانی و آمریکایی در قلمرو هر یک از طرف‌های متعاقد مقرر می‌دارد «وضعیت حقوقی آنها به رسمیت شناخته می‌شود». ICJ در حکم ۲۰۱۹ خود در مورد اعتراضات اولیه، «وضعیت حقوقی» را به عنوان شخصیت حقوقی خود یک شرکت تلقی کرد که گاهی اوقات به عنوان یک نهاد متمایز از دولت مرتبط با آن وجود دارد.

ایران مدعی شد که ایالات متحده شخصیت حقوقی شرکت‌های ایرانی را در قلمرو خود نادیده می‌گیرد و اقدامات ایالات متحده و فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ غیرمنطقی است. دیوان خاطرنشان کرد که یک اقدام بر اساس معاهده دوستی زمانی غیرمعقول است که هدف عمومی مشروع را دنبال نکند، بین هدف دنبال شده و اقدام اتخاذ شده رابطه مناسبی وجود نداشته باشد، یا در رابطه با هدف آشکارا بیش از حد باشد. اگرچه اقدامات ایالات متحده مورد بحث ممکن است یک هدف عمومی مشروع را برای ارائه راه حل های موثر برای جبران خسارت به شاکیان دنبال کند و ضمیمه و اجرای دارایی های متهم مسئول به طور کلی رابطه مناسبی با این هدف است، دادگاه اقدامات قانونی را آشکارا بیش از حد تشخیص داد. این بیانیه خاطرنشان کرد که FSIA و TRIA از اصطلاحات بسیار گسترده ای استفاده می کنند که می تواند هر شخص حقوقی را بدون در نظر گرفتن درجه یا نوع کنترل اعمال شده بر آنها توسط ایران در بر بگیرد. دیوان رای داد که ایالات متحده به ناحق «خرق حجاب شرکت کرده است»، علاوه بر این، دادگاه دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ را در رابطه با هدف پاسخگویی به "حمایت مستمر ایران از اقدامات تروریستی" آشکارا بیش از حد تشخیص داد، زیرا به شیوه ای بیش از حد شامل "هر موسسه مالی ایرانی" اعمال می شد^۱.

۲-۲-۴- پذیرش نقض بند اول ماده ۴ عهدنامه مودت توسط آمریکا

بند ۱ ماده ۴، رفتار منصفانه و عادلانه را پیش بینی می کند و ایالات متحده و ایران را از اتخاذ "اقدامات غیرمنطقی یا تبعیض آمیز" علیه اتباع یا شرکت های یکدیگر منع می کند.

۲-۲-۵- پذیرش نقض بند دوم ماده ۴ عهدنامه‌ی مودت توسط آمریکا

دیوان با توقیف و ضمیمه دارایی های شرکت های ایرانی، استنباط کرد که ایالات متحده خلاف ماده ۴ معاهده، مصادره‌ای را انجام داده است. دادگاه در اینجا تنها نقضی را با توجه به اقدامات ایالات متحده تحت TRIA و FSIA تشخیص داد بدون توجه به مواردی که توسط فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ وضع شده است. دادگاه متذکر

¹ - <https://www.justsecurity.org/۸۵۹۸۲/after-icjs-certain-iranian-assets-judgment-iran-and-united-states-both-claim-victory/>

شد که تصمیم قضایی مبنی بر ضمیمه و اجرای اموال یا منافع در دارایی فی نفسه به منزله گرفتن یا سلب مالکیت از آن اموال نیست. در عوض، عنصر غیرقانونی مورد نیاز است. دیوان پس از بررسی اقدامات مختلف قانونی، اجرایی و قضایی اتخاذ شده توسط ایالات متحده و مورد بحث در این پرونده، به یافته قبلی خود مبنی بر غیر معقول بودن استناد کرد تا ثابت کند که اقدامات ایالات متحده اعمال قانونی از اختیارات نظارتی نبوده است و معادل سلب مالکیت بدون غرامت است.

با این حال، دادگاه ادعاهای ایران را در مورد دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ رد کرد زیرا ایران نتوانسته است دارایی های متاثر شرکت های ایرانی را که به طور خاص تحت تأثیر این فرمان اجرایی فراتر از بانک مرکزی قرار گرفته اند شناسایی کند. از آنجایی که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به بانک مرکزی را رد کرد، دیوان با دستور اجرایی ۱۳۵۹۹، ایالات متحده را مرتکب سلب مالکیت غیرقانونی ندانست. در مورد ادعاهای ایران مبنی بر اینکه ایالات متحده نتوانسته است حمایت و امنیت را طبق ماده ۴ از شرکت های ایرانی انجام دهد، دیوان اعلام کرد که تعهد ایالات متحده بر اساس معاهده محافظت از اموال شرکت های ایرانی در برابر آسیب فیزیکی واقعی است. در طول رسیدگی، ایران اظهار داشت که تعهدات معاهده فراتر از حمایت از آسیب فیزیکی به حمایت قانونی از دارایی است.^۱

۲-۲-۶- پذیرش نقض بند اول ماده ۱۰ عهدنامه ی موردت توسط آمریکا

در نهایت، دیوان استدلال کرد که ایالات متحده تعهدات خود را برای ارائه "آزادی تجارت" برای شرکت های ایرانی نقض کرده است. از نظر دیوان، «تجارت» به فعالیت های جانبی مرتبط با اشکال سنتی تجارت، مانند تجارت کالا، اطلاق می شود. در نتیجه، دیوان معاملات مالی، مانند تجارت دارایی های نامشهود را به عنوان تجارت تحت حمایت ماده ۱۰ معاهده تلقی کرد. برای یافتن نقض در این ماده، دادگاه متقاعد شد که اقدامات ایالات متحده مانعی واقعی برای تجارت است. دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ از آنجا که اموال را به طور جامع مسدود کرد، به عنوان یک مانع واقعی برای هرگونه تراکنش مالی انجام شده توسط ایران یا مؤسسات مالی ایرانی در ایالات متحده شناخته شد. علاوه بر این، الحاق و اجرای دارایی های شرکت های دولتی ایرانی تحت FSIA نیز مانعی واقعی برای انجام فعالیت های تجاری توسط آن نهادها در نظر گرفته شد. در نهایت، اعمال هر دو قانون FSIA و TRIA

¹ - <https://www.justsecurity.org/۸۵۹۸۲/after-icjs-certain-iranian-assets-judgment-iran-and-united-states-both-claim-victory/>

توسط دادگاه های ایالات متحده نیز به عنوان یک مداخله مادی در تجارت ایران در داخل ایالات متحده در نظر گرفته شد.^۱

۲-۲-۷- تعهد امریکا به جبران خسارت از ایران

ادعاهای ایران در مورد سایر شرکتها (غیر از بانک مرکزی) تنها حدود ۲۵ میلیون دلار است. بنابراین بند هشتم اجرایی رای دیوان که ایران را مستحق دریافت غرامت می داند و از طرفین می خواهد ظرف مدت ۲۴ ماه در این خصوص مذاکره نمایند و اگر به توافقی نرسیدند به درخواست هریک از طرفین، خود دیوان راساً مبلغ غرامت را مشخص خواهد کرد؛ تنها ناظر به قسمت اخیر و در ارتباط با خساراتی است که به خود دولت ایران و یا دیگر شرکتها و موسسات ایرانی مانند بانک ملی (غیر از بانک مرکزی) وارد شده است.

۲-۲-۸- در صورت عدم توافق در مورد مبلغ غرامت ظرف ۲۴ ماه، با درخواست هر یک از طرفین، دیوان به موضوع رسیدگی خواهد کرد

حکم به اینکه در صورت عدم توافق بین طرفین در مورد خسارت (با توجه به اینکه کلمه خسارت^۲ به صورت اطلاق به کار رفته است، می توان استنباط کرد که توافق شامل هر وجهی از وجوه خسارت مانند میزان و نحوه و زمان پرداخت خسارت خواهد بود) ظرف مدت ۲۴ ماه از تاریخ صدور حکم حاضر، دیوان به درخواست هر یک از طرفین ایران یا امریکا، راساً موضوع را حل و فصل خواهد کرد و برای این منظور رویه رسیدگی پرونده نزد دیوان محفوظ می ماند. این حکم با رای ۱۴ به ۱ قضات دیوان تایید شده است.

بر این رای دیوان البته می توان انتقاداتی وارد کرد؛ دیوان دادگستری بین المللی بر اساس تصریح ماده ۹۲ منشور ملل متحد، رکن اصلی قضایی ملل متحد به شمار می آید و همچنین مهم ترین نهاد قضایی بین المللی است. صدور رای در دیوان بین المللی دادگستری باید با شأن قضایی آن مطابقت داشته باشد. اینکه مرجع قضایی طرفین را به مذاکره مجدد دعوت کند که تعیین خسارت کنند و اگر موفق نشدند مجدداً به دیوان مراجعه کنند تا دیوان راساً موضوع را رسیدگی و تصمیم گیری کند به نظر با جایگاه قضایی دیوان چندان مطابقتی ندارد.

۲-۲-۹- سایر ادعاها از سوی طرفین از نظر دیوان مردود اعلام شد.

رد تمامی ادعاهای دیگری که توسط طرفین مطرح شده است از جمله حکم به پرداخت هزینه های حقوقی توسط هر کدام از اطراف دعوی. این حکم رد بدون ذکر تعداد آرای قضات انشاء شده است.

^۱ - <https://www.justsecurity.org/۸۵۹۸۲/after-icjs-certain-iranian-assets-judgment-iran-and-united-states-both-claim-victory/>

^۲ - compensation

۱-۹-۲- رد ادعا مبنی بر نقض ادعایی ماده ۵ (۱) (حق تملک و تصرف دارایی)

دادگاه ادعای ایران را در مورد نقض ادعایی ماده ۵ (۱) (حق تملک و تصرف دارایی) رد کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین از اعطای غرامت غیر مالی مورد نظر ایران، یعنی رضایت در قالب عذرخواهی و توقف اعمال خلاف، خودداری کرد^۱.

در برخی از دارایی‌های ایرانی، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) اذعان می‌کند که حمایت از اختراعات بخشی از وظایف گسترده‌تر یک نهاد شرکتی با شخصیت حقوقی در حقوق بین‌الملل است. این پرونده در مورد سرمایه‌گذاری‌های مالکیت معنوی نبود، و همچنین موردی در مورد حمایت از سرمایه‌گذاری به معنای صحیح آن مجموعه قانون نبود. با این حال، هنگامی که دیوان، به شکلی بسیار سبک، از حمایت از اختراعات یاد می‌کند، دادگاه جهانی شاخصی را برای پویایی سرمایه‌گذاری‌های مالکیت معنوی در حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند. این نظر دو کارکرد دارد. ابتدا، نحوه تصدیق ICJ از حقوق ثبت اختراع در نهادهای شرکتی را ترسیم می‌کند و ثانیاً، پارامترهایی را که در آن ICJ نسخه خاص خود از حمایت از سرمایه‌گذاری را توسعه می‌دهد، مشخص می‌کند. برخی از دارایی‌های ایرانیان پرونده‌ی جالبی است زیرا طیفی از موضوعات را با میزان بالای اعلامیه، نظرات جداگانه و مخالفت جزئی در مورد موضوعات مختلف پوشش می‌دهد^۲.

۲-۹-۲- رد ادعا مبنی بر پرداخت هزینه‌های حقوقی

هزینه‌های حقوقی در این نوع دعاوی و پرونده‌ها البته زیاد هستند و جمهوری اسلامی ایران بنا بر بند ۲۳۵ رای خواهان آن بوده است که دیوان حکم به پرداخت هزینه‌های حقوقی توسط خوانده یعنی آمریکا را هم صادر کند ولیکن دیوان در این دعوی به‌رغم محکومیت آمریکا به نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مودت و پرداخت خسارت، دولت آمریکا را به پرداخت خسارات دادرسی محکوم نکرده است. دیوان در توجیه این موضوع ضمن اشاره به ماده ۶۴ اساسنامه‌اش که مقرر می‌دارد هر یک از طرفین دعوی مخارج محاکمه مربوط به خود را متحمل خواهد شد مگر اینکه دیوان ترتیب دیگری مقرر دارد، می‌نویسد که دیوان هیچ توجیهی برای محکومیت آمریکا برای پرداخت هزینه‌های حقوقی نیافته است در حالی که در عرف قضایی داخلی همه کشورها و در عرف بین‌المللی هم محکوم پرونده باید خسارات دادرسی طرف محکوم را بپردازد و از این نظر توجیه دیوان قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

^۱ - Sochacka, Julia (2024) -Shaping the Immunity of Central Banks: The ICJ's Merits Decision in Certain Iranian Assets ,Issue ۳ :Volume ۲۸, February ۱۲, https://www.asil.org/insights/volume/28/issue/3#_edn8

^۲ - Morris , P. Sean (2023) Intellectual Property Investment at the International Court of Justice After Certain Iranian Assets, Global Trade and Customs Journal, Volume ۱۸, Issue ۱۲/۱۱(۲۰۲۳) pp. ۴۷۶- ۴۸۱

دیوان اتفاقاً در این قسمت به عنوان مستند رای خودش به پرونده کنگو علیه اوگاندا^۱ مورخ ۹ فوریه ۲۰۲۲ بند ۳۹۶ اشاره می‌کند که مطالعه آن پرونده نشان می‌دهد اوگاندا در پرونده مورد اشاره دیوان با یکی از ادعاهای متقابل خود علیه جمهوری دموکراتیک کنگو پیروز شد و متعاقباً از ادعای خسارت خود صرف‌نظر کرد در حالی که در پرونده حاضر ایران از هیچ کدام از ادعاهای خسارت خودش صرف‌نظر نکرده بود و توجیه دیوان از این نظر درست نیست.

۳- بررسی تطبیقی قضیه برخی اموال ایران با سایر پرونده ها

در قیاس با پرونده‌هایی که ایران تا کنون در دیوان بین‌المللی دادگستری داشته، شرکت نفت ایران و انگلیس، کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران، حادثه هوایی ۳ جولای ۱۹۸۸ (ایرباس)، و سکوهای نفتی، تصمیم مورخ ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان در قضیه «برخی اموال ایران» در قسمت اجرایی رأی یک موفقیت‌آیی برای ایران محسوب می‌شود؛ به این معنا که در بندهای مشخصی طرف دعوای ایران (که جز در یک مورد، ایالات متحده بوده) به عنوان ناقض تعهدات ذریبط شناخته شده است. هرچند شرکت نفت ایران و انگلیس و سکوهای نفتی نیز در نوع خود یک موفقیت برای ایران محسوب می‌شوند؛ یکی به دلیل تلاش ایران در مرحله ایرادات مقدماتی برای رد صلاحیت دیوان و عدم ورود به مرحله ماهوی دعوا و دیگری به دلیل رد دعوای متقابل ایالات متحده در استناد به دفاع مشروع برای حمله به سکوهای نفتی.

دیوان در «قضیه برخی اموال» ضمن اعلام عدم ورود به موضوع بانک مرکزی، در چهار مورد، دولت ایالات متحده را در اثر نقض تعهدات ناشی از مواد ۳ (بند ۱)، ماده ۴ (بندهای ۱ و ۲) و ماده ۱۰ (بند ۱) معاهده «مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» مصوب ۱۵ اوت ۱۹۵۵ به عنوان متخلف مورد شناسایی قرار داد. ایران و ایالات متحده هر یک این رأی را نوعی پیروزی بر طرف مقابل قلمداد کردند. ایران معتقد است به دلیل صراحت دیوان در ذکر موارد تخلف ایالات متحده در اجرای معاهده مودت نسبت به شرکت‌های ایرانی و ایالات متحده معتقد است به دلیل عدم رسیدگی دیوان به ادعای مربوط به بانک مرکزی، این رأی به نفع آنها بوده است. اگر از نظر میزان خواسته دعوا به موضوع نگاه کنیم، ادعای ایالات متحده صحیح است (ادعای یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار در خصوص بانک مرکزی که داخل در حمایت‌های مقرر در معاهده مودت شناخته نشد و ۲۵ میلیون دلار برای سایر شرکت‌های ایرانی که امریکا نسبت به آنها به عنوان متخلف شناخته شد) و اگر به آورده‌نهایی دیوان در محکومیت ایالات متحده و تکلیف به جبران خسارت این کشور نظر بیفکنیم، مدعای ایران درست است. در

¹ - Democratic Republic of the Congo v. Uganda

فضای حقوق بین‌الملل که آمیخته با حاکمیت دولتهاست و به همین دلیل، ویژگی حیثیتی به خود می‌گیرد، ادعای ایران از منظر حقوق بین‌الملل قابل قبول‌تر است؛ زیرا چه بسا دولت‌ها حاضر باشند برای متخلف شناخته شدن دولت رقیب یا متخاصم خود چند میلیارد دلار هزینه کنند تا صرفاً رأیی علیه دولت مزبور دریافت کنند یا این که به عنوان مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شناخته نشوند. به طور مثال، اگر به رویه دولت ایالات متحده در مصالحه با ایران بر سر پرونده‌های موجود در دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده نگاه کنیم، عمدتاً حاکی از این مسأله هستند که ایالات متحده با علم به این که پرونده در مراحل نهایی خود قرار داشته و از اوضاع و احوال چنین برمی‌آمده که رأی نهایی به ضرر این کشور است، باب مذاکره با ایران را برای مصالحه و پرداخت وجه مورد توافق جهت استرداد پرونده از سوی ایران در دیوان مزبور باز می‌کرد. زیرا می‌دانست اگر قرار باشد مبلغی پرداخت کند بهتر از آن است که در کتب حقوقی به عنوان پرونده‌ای برای مثال زدن در موضوعی خاص نامی از این کشور برده شود. کما این که همین رویکرد از سوی ایالات متحده ۱۹۹۶ در پرونده ایرباس در دیوان بین‌المللی دادگستری با ایران در پیش گرفته شد.

در همین ارتباط می‌توان به قبل از مراجعه‌ی ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره کرد که شاکیان برای اجرای رای صادره از محاکم آمریکا در تعیین غرامت در قضیه‌ی پترسون به اجرای حکم در لوکزامبورگ و ایتالیا متوسل شدند. شاکیان این پرونده و سایر پرونده‌ها در آمریکا که قدمی دیگر به دسترسی به اموال نزدیک شده بودند برای توقیف بخشی از اموال بانک مرکزی ایران غیر از آمریکا به دادگاه‌های لوکزامبورگ و ایتالیا نیز مراجعه کردند. این موضوع به دلیل آن بود که بخشی از دارایی‌های بانک مرکزی ایران نزد کارگزار اوراق بهادار به نام کلیر استریم^۱ در لوکزامبورگ قرار داشت که بخشی از این اوراق در اروپا و بخش دیگری به صورت فیزیکی در «سیتی بانک» نیویورک نگهداری می‌کرده است. از سال ۲۰۰۸ که تحریم‌های آمریکا و شورای امنیت برقرار شدند این پول‌ها نیز مسدود و امکان هر گونه دادوستد و جابه‌جایی از بین رفت. لذا خانواده‌های قربانیان پرونده‌های آمریکا از جمله خانم فیونا هاولیش^۲ برای دستیابی به باقی غرامت دادخواست‌هایی را در دادگاه‌های لوکزامبورگ و ایتالیا به خواسته ضبط این اموال ارایه کردند. دادگاه برای بررسی درخواست شاکیان، دستور به توقیف این دارایی داد و بانک مرکزی ایران نیز به حکم توقیف پول‌های این بانک در لوکزامبورگ شکایت کرد. دادگاه لوکزامبورگ سرانجام رای داد که حکم دادگاه ایالات متحده در خاک لوکزامبورگ قابلیت اجرایی ندارد و این پول قابل ارایه به شاکیان نیست. با این حکم، از دارایی ایران رفع توقیف و احتمال مصادره آن به نفع شاکیان منتفی شد.

^۱ - Clearstream

^۲ - Fiona Havlish

نتیجه گیری

اگر از منظر مالی به موضوع نگاه کنیم، جمهوری اسلامی ایران دستاورد چشمگیری از این رای نخواهد داشت، اما در زمینه مسائل حقوقی، ایران توانست به موفقیت های قابل توجهی دست یابد که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

۱- دیوان با رای اکثریت بسیار بالا (۱۳ در برابر ۲) رعایت قاعده طی کلیه مراجع داخلی در آمریکا برای شرکت های ایرانی در اثبات زیانهای وارده را لازم ندانست.

۲- دفاعیه آمریکا مبتنی بر دکترین «دستهای آلوده»، و نیز استناد به نظریه «سوءاستفاده از حق» و «حفاظت از منافع ضروری امنیتی» از سوی دیوان رد شد.

۳- دیوان احراز نمود که ایالات متحده تعدادی از مواد عهدنامه مودت از جمله بند ۱ ماده ۳، بندهای ۱ و ۲ ماده ۴، بند ۱ ماده ۱۰ را نسبت به خود دولت ایران و شرکت های ایرانی (غیر از بانک مرکزی) نقض کرده است و باید در این ارتباط غرامت بپردازد.

۴- می توان این موضوع را درک کرد که در شرایطی که کشمکش های سیاسی و پرتنش بین دو کشور وجود داشته باشد، انتخاب راه های حقوقی از جمله مراجعه به دیوان دادگستری بین المللی راهی است که هر دولتی در ایران روی کار باشد بنا به وظیفه باید آن را در پیش بگیرد.

۵- دیوان در مورد اموال بانک مرکزی رای به عدم صلاحیت خود داده است. به نظر می رسد که اصولاً هدف اصلی این دعوی بحث مصونیت دولت ایران و عدم صلاحیت دادگاه ملی آمریکا برای رسیدگی به چنین پرونده هایی بود که در هر صورت نتیجه بخش نبوده است. این رای دیوان یک نکته را هم بارز و عیان می سازد که موضوع استقلال بانک مرکزی را تا چه اندازه باید جدی گرفت که نه تنها موضوعی است که زوایای اقتصادی دارد، بلکه می تواند تبعات حقوقی هم داشته باشد.

۶- وجود عهدنامه مودت ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا از موجبات مهمی است که دولت جمهوری اسلامی ایران به واسطه آن، دعاوی خود را به دلیل نقض تعهدات مندرج در آن عهدنامه در دیوان بین المللی دادگستری اقامه کرده است. باید توجه داشت که به دلیل آنکه دولت آمریکا از این عهدنامه خارج شده است، نقض تعهدات آمریکا از این پس دیگر مستند عهدنامه ای ندارد و در نتیجه شرایط متفاوت حقوقی را در بر خواهد داشت.

۷- مباحث و استدلال های حقوقی متفاوتی در جریان رسیدگی دیوان از سوی طرفین مطرح شده و دیوان نیز بنا بر اظهار نظر ارایه شده از سوی قضات، تفسیرها و نظرات گوناگونی را ابراز داشته که بر غنای مباحث حقوقی در این رای افزوده است و می تواند مستندات خوبی برای مطالعات آکادمیک باشد.

۸- اگرچه محکومیت دولت امریکا و حکم به پرداخت خسارت در مورد توقیف اموال جدای از اموال بانک مرکزی به دلیل نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مورد پذیرش و حکم دیوان قرار گرفته است ولیکن اجرای این حکم خودش مسیر طولانی را در بردارد و همچنان با مانع تحریم‌های ایالات متحده روبه‌رو است .

۹- در قسمت اجرای حکم دیوان می‌توانست در همین مرحله نیز اقدام کند ولیکن این کار را انجام نداده و به جای آن طرف‌های دعوی را به رسیدن به توافق (بخوانید دعوت به مذاکره) دعوت کرده است و هم مقرر کرده که اگر طرف‌ها در مذاکرات به نتیجه نرسیدند، دیوان هم از طریق تلاش برای توافق و settle دوباره رسیدگی می‌کند که به نظر انشای جملات دیوان در بند ۸ حکم آن در این خصوص برخلاف شأن قضایی دیوان است .

۱۰- از سوی دیگر، برای کشوری که به دنبال اثبات نادرستی رژیم تحریم‌های آمریکا علیه خود بوده است، با حکم دادگاه بین‌المللی مبنی بر غیرقانونی بودن برخی اقدامات ایالات متحده، یک پیروزی سیاسی به دست آمده است.

منابع

منابع فارسی

۱. بذآر، وحید. (۱۳۹۹). مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا به واسطه نقض مصونیت دولت ایران در نتیجه توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های امریکا. مجله حقوقی بین‌المللی 37, (شماره ۶۳ (پاییز - زمستان)), ۲۶۵-۲۸۲.
۲. شهبازی، آرامش. (۱۳۸۹). اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده امریکا. مجله حقوقی بین‌المللی, 28 (شماره ۴۴ (بهار و تابستان)), ۵۵-۷۱.
۳. مافی، همایون (۱۳۸۷) تحلیلی بر عملکرد دیوان دآوری دعاوی ایران - آمریکا، دوره ی ۱۰، شماره ی ۲۳، صص ۱۱۷ - ۲۲۳.
۴. محبی، محسن، بذآر، وحید (۱۳۹۸) رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا). فصلنامه ی قضاوت، شماره ۹۸، صص ۵۳ - ۸۰.
۵. موسوی میرکلائی، سید طه. (۱۴۰۰). شخصیت حقوقی شرکت دولتی و مصونیت اموال دولتی در پرونده «برخی اموال ایران» فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، شماره ۵۰، صص ۹۹۵ - ۱۰۲۱.
۶. هرمیداس باوند، داوود محمدی، منوچهر (۱۳۸۱) ایران، آمریکا، پیشینه، حال، آینده زمانه، شماره ۱.

1. Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America), ۲۰۰۴, Judgment, I.C.J. Reports ۲۰۰۴, ۱۲; General List No. ۱۲۸
2. Certain Iranian Assets (Iran v. U.S.), Judgment, (Mar. ۳۰, ۲۰۲۳), [https://www.icj-cij.org/case/ ۱۶۴](https://www.icj-cij.org/case/۱۶۴)[hereinafter Judgment on the Merits]
3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports ۲۰۱۹, para. ۴۰; Verbatim Record of ۸October ۲۰۱۸(John D. Daley), pp. ۱۴, ۱۹, paras. -۲۹
۵۵
4. Janig, Philipp and Mansour Fallah, Sara, Certain Iranian Assets: The Limits of Anti-Terrorism Measures in Light of State Immunity and Standards of Treatment (۲۰۱۶). German Yearbook of International Law, Vol. ۵۹, ۲۰۱۶, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=۲۹۹۳۲۲۵>
5. Kreindler, Richard, (۲۰۱۰)“Corruption in International Investment Arbitration: Jurisdiction and the Unclean Hands Doctrine,” Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke-edited by Kaj Hober, Annette Magnusson and Marie Öhrström, Juris Publishing, pp. ۳۲۳-۲۸۱. P ۳۷۱
6. Llamzon, Aloysius, (۲۰۱۵) “Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation: The State of the „Unclean Hands“ Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha,” ICSID Review - Foreign Investment Law Journal, Vol. ۳۰, Issue. ۲, ۲۰۱۵, pp. -۳۱۵
۳۲۵
7. Morris , P. Sean (۲۰۲۳) Intellectual Property Investment at the International Court of Justice After Certain Iranian Assets, Global Trade and Customs Journal, Volume ۱۸, Issue ۱۲/۱۱(۲۰۲۳) pp. ۴۷۶- ۴۸۱
8. Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports ۱۹۹۶, para. ۲۰; Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of ۳October ۲۰۱۸, I.C.J. Reports ۲۰۱۸, para. .۴۱

9. Sochacka, Julia (۲۰۲۴)- Shaping the Immunity of Central Banks: The ICJ's Merits Decision in Certain Iranian Assets ,Issue: ۳Volume ۲۸, February ۱۲, https://www.asil.org/insights/volume/۲۸/issue/#۳_edn۸
10. Sochacka, Julia (۲۰۲۴)- Shaping the Immunity of Central Banks: The ICJ's Merits Decision in Certain Iranian Assets ,Issue: ۳Volume ۲۸, February ۱۲, https://www.asil.org/insights/volume/۲۸/issue/#۳_edn۸
11. Sohn, (۱۹۸۱) The Iran-United States Claims Tribunal: Jurisprudential Contributions to the Development of International Law, in the Iran-United States Claims Tribunal -۸۳
12. Weatheral, Thomas (۲۰۱۶), "Flatow V. Iran", American Journal of International Law, Vol. ۱۱۰(۳), pp. ۵۴۷-۵۴۰.

سایت ها

1. <https://jplsq.ut.ac.ir>
2. <https://jplsq.ut.ac.ir>
3. <https://www.cilamag.ir>
4. <https://www.icj-cij.org>
5. <https://www.justsecurity.org/۸۵۹۸۲/after-icjs-certain-iranian-assets-judgment-iran-and-united-states-both-claim-victory/>
6. <https://www.state.gov>

Title:

**The case of some properties of Iran against the
United States in the International Court of Justice**

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates Branch,
Islamic Azad University, Dubai, UAE

**member of the center of lawyers, official experts and
consultants of the judiciary**

2024 - 6 - 11